

پیادانشگاه

گرو کشی ممنوع!

فتح الله ملی

یکسای یا **بلایاسی** که پس از انقلاب به ویژه در یکی دو دهه اخیر همچون یک آفت، هم به مزارعه سبزه اعتماد کثیمت، ملت، و هم به سالم سازی امور اجرایی و با توجه رونق رشد و توسعه و پیشرفت کشور آسیب زده است، دخالت بیش از حد سیاست در همه امور، آمدن به شکلی ناسنجانسی و بی قاعده و فواره بوده است. این سیاسی شدن با سیاسی کردن همه امور گاه موجب گرو کشی و عدم برخورد مناسب و نیز عدم انجاء ملی و همگانی بر سر مقابله با هتاجاتپهاری بی تدبیری ها گاه بی قانونی و راه رانت خواری ها بوده است. ما در کشور گرچه چندین حزب و گروه و رسمی ثبت شده داریم اما به معنای واقعی کلمه حزب، به مفهومی که در دموکراسی های موجود و یا حتی در جهان غرب وجود دارد با اساسنامه و دفاتر معین و افراد شناخته شده با مانیفست روشن و برنامه های اعلام شده نداریم و تنها در موانع انتخابات شاهد ظهور و بروز تشکلهای انجمن های هستیم که در سایر اوقات حضوری در صحنه اجتماعی ندارند و بیشتر قائم به یک فاز هستند (یا حداقل چند فرد) به جای آن که نمایندگی یک جریان و شکل سازمان یافته باشند. اما به این وجود در اکثر موارد شاهد دهنن تن و حتی غیراخلاقی ترین در صحنه اجتماعی سیاسی و جناحی هستند که نشانه دیگری از توسعه نیافتگی و عدم بلوغ رقابتهای حزبی و مجموعه اخلاقیات حاکم بر آن است. از دل چنین آشفته بازاری اما آن چه که به عنوان یکی از موانع مهم توسعه نیافتگی و عدم توفیق در مقابله با بی قانونی، فساد، رانت، سوءاستفاده و حتی سوء تدبیر و سوء مدیریت سد راه پیشرفت کشور شده است، گروه کشی های است که گاه وجود دآب و دایهه دیدناری و اخلاق مداری هیچ نسبتی نه با دین و نه با اخلاق و نه حتی با منافع حزبی دارد. به عنوان مثال وقتی دولتی از یک جریان فکری بر سرسار کار می آید و دست به روشنگری و با افشاشگری می کشد جناح مخالف به جای جانبداری و حمایت از برخورد با تخلف نمونه های آن گذشته و با افراد گذشته را امان می آورد و روحانیان راوند در غیر اخلاقی ترین شکل، آن تصمیم گیری خوشی و رجزخوانی و دیر گ باز را به ذهن متبادر می کند که گوشه ای از بر گشتی در دستانان را نشان می دهند تا تحریف را از صحنه به در کنند. یعنی انگار هر کدام سند و مدرکی را برای روز مبادی نگه داشته باشند تا تحریف همین که خواست سندی از آنها رو کند آنها هم گوشه بر گز خودشان را نشان بدهند که یعنی اگر تو «آن را بر ملا کنی، من «این را افشا می کنم! متأسفانه گاهی وقت ها گوئی آن ها که در طرف میز نشسته اند و مشغول بازی اند تنها مرابند که دستانشان رو نشود و بازی را بنایند.

وقتی ماجرای اختلاس ۳۴ هزار میلیاردی پیش آمد هر جناحی انگار تنها دغدغه اش این بود که اتهام را بخورد رو کند. انگار نه انگار که مسئله اصلی سر مایه ای است که از بیت المال و از جیب مردم رفته و این سئاله اصلی است. در ماجرای پدیده های زنجانی وقتی موضوعی به این اهمیت و سوءمدیریتی تا این حد بزرگ پیش آمد، برخی فقط به این فکر افتادند که مسئله حضور این فرد را در زمان مدیریت مرحوم دکتر نور بخش در بانک که به عنوان یک سر مزاح مطرح کنده و بگوند ریشه رانت خواری چنین فردی به دوران کار گزاران بر می گردد و با این کار قصد این بود تا با ایجاد انحراف از ظلم بزرگ آن فرد در دوران مدیریت طرفداران جریان خودشان و حداقل غفلتی که خود در پاسداری منابع ملی صورت داده اند حرفی به میان نیاید و اصل مسأله در غبار و محاق بماند و با یک پرونده ملی رورنده گروست به عنوان پاک مطرح می می شود تا مگر شاید آن طرفداران دست بردارند و زیاد پدیده بکنند و با این نشانی را بدهند که ما هم برای شما داریم فارغ از اینکه فردی نمی کند فساد در کدام دوره و وابسته به کدام جریان اتفاق افتاده باشد خود فساد پدیده ای است که توسط هر یک هم جریان را به تشکیلی و در نسلورزی در هر لباسی باید مورد محکومیت و پیگیری شدید قرار گیرد.

این نوع گروه کشی ها که متأسفانه در میان تقریباً تمام گروه ها و جرایم های به اعتقاد حقیر نابالغ باشد و ضعیف های نمونه ها و مصداق های نسبتاً قابل توجهی دارد بیش از هر چیز بهر جهت فرصت را برای عده ای فرصت طلب و رانت خوار فراهم آورده و می آورد تا در گردوخاک و مه غلیظ برآمده از این گرو کشی ها و منازعات سیاسی، اش را با جاش بیرند و دست به تاراج سر مایه های ملی بزنند و البته خدا کند خود رهبران گروه ها و تشکله ها با قصد و نیت چنین بستری را فراهم نکرده یا نکنند که اگر خدای ناکرده چنین باشد بر این مصیبت باید گریست. بر اساس هر آموزه ره بارور و اعتقادی، چه دینی و چه تعصبات ملی و یا اخلاقی، (که این ها در عرض هم و با مانیفی هم نیستند و در یک بسته می گنجند) مبارزه با فساد، رشو، رانت، بی قانونی، بی اخلاقی و حتی سوء تدبیر و سوء مدیریت هر گز نباید سیاسی شود و با وسیله و وجه المصلاحه که گرو کشی های سیاسی قرار گیرد. تا زمانی که همه ما که در این مملکت و تحت این نظام و رهبری آن زندگی می کنیم به این نتیجه نرسیم که منافع ملی خط قرمزى همگانی است و قانون باید برای همه یکسان باشد و بر سر هر چه که مردم، حکومت، پیشرفت و توسعه کشور مربوط می شود نمی توان هیچ مصلحتی کرد و هیچ شکلی از راه گشای در اینجا جلالت رو چه نیست، ممانعتی نخواهیم یافت. ابتدگر گرو کشی کنیم، فردی نمی کند که این فراز کدام جریان و کدام حزب از رانت استفاده کرده است. زددی پدیده است، قهمت باید داشت و دروغ بد است، سوءاستفاده بد است. و این آرایش رشت نیست که عده ای بگویند وزیر علوم را به این خاطر بر کنار کردند که می خواست جلوی سوء بهیاری قانونی را بگیرد؟ آیا این قهمت کنیم است برای آبروی مجلس که باید در رأس امور باشد؟ و این قهمتی آنها می برای نظام اسلامی ظلم فاحش به حساب نمی آید؟ هر چند همه تمام قد با سیستم و واقع بین چنین باشد که این اتهام جفا در حق نمایندگان حتی نمایندگان محترم موافق استیضاح است

با این بد نیستی که هر وقت بر رنده سوء استفاده و با فساد و خلائی بر قلمای می شود یا به قوه قضائیه می رود هر بار از یک جناح ندا بر خیزد و هر فصلی سیاسی است! این رفتار و روشی است که باعث شده به خود را بی قانونی و فساد داری هر بنه های فراوانی شود و راه و بستر را برای ارتعاب خودوران و سوء استفاده کنندگان بگشاید!؟ چرا به گرایه ای سیاسی و جناحی نیاموخته ایم و یا به آنها تشر نژویم که ورود و دخالت و گرو کشی حسما با این حوزه ها که منافع ملی، حقوق مردم، آبروی نظام و ضرورت حفظ ارباط ودوسویه و اعتماد آمیز دولت، ملت ارتباط پیدا می کند ممنوع است!؟

لشکرایی گانه

لایحه شوراهاى حل اختلاف تقدیم مجلس شد

دکتر خوش روثانی، رئیس‌جمهوری لایحه شوراهاى حل اختلاف را برائى تشریفات قانونی تقدیم مجلس شورای اسلامى کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، این لایحه به پیشنهاد قوه قضائیه در خصوص اختلافات در سوازش و سازش و کاهش پیرویه های مراجع قضائیه و تسریع در رسیدگی جز جلولری از اطاله دادرسی و ارتقاء جایگاه طرف های صلح و سازش و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، لایحه شوراهاى حل اختلاف تقدیم مجلس می شود.

در ماده (۱) لایحه هم آمده است: برای حل اختلاف و صلح و سازش میان اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی، شوراهاى حل اختلاف تحت نظارت قوه قضائیه و با شرایط مقرر در قانون تشکیل می شود.

مجلس مصوبه استخدنامی دولت را غیرقانونی خواند

رئیس مجلس شورای اسلامی با صدور نامه ای به رئیس جمهوری، مصوبه هیات وزیران راجع به پرداخت ۱۳۹/۱۸۹ میلیون ریال به سازمان امور مالیاتی، معذایب بررسی‌ها را اعلام نظر قدمتانی مجاز بررسی و تطبیق

موضوعات بود و قوانین و مستند به صدر ماده واحده و تبصره ۵ الحاقی به قانون نحوه اجراء اصولی ۱۳۸ و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصلاحت بعدی و) ماده ۵۰۰ این نامه اجرائی آن را مایل مطمئن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به اینجانب ابلاغ می کرد. بدیهی است پس از تصفای یک هفته مهلت مقرر در قانون، آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است، ملغی الاثر خواهد بود.

«نظر به اینکه در مواد مختلف قانون مدیریت خدمات کشوری از جمله مواد مندرج در فصل ششم و هفتم این قانون احکام و ضوابط در خصوص استخدام باید شده و اخیراً براد استخدام ۱۳۹۱۲۰۳۱۳ به شرح، برپایان ۲۳ متن مصوبه مبنی بر مجاز بودن رئیس سازمان امور مالیاتی کشور به اینکه آراء و بدون نیاز از اخذ مجوز با تأیید هر مرجع دیگر، نسبت به استخدام ۱۲۰۰۰ نفر نیروی انسانی در این سازمان اقدام کند، از حیث تولید گرفتن احکام قانونی مربوط، مغایر با قانون است.

دیدار اعضای ستاد کنگره ۱۰ هزار شهید بازار بار هبر معظم انقلاب

بیانبات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستاد کنگره امده ده هزار شهید اصناف و بازار کشور (۳۶ دوازده امسال بر گزار شد)صبح دیروز در نشستی که به همین منظور در سالن همایش های صدا و سیما برگزار است، انتشار یافت. حضرت آیت الله خامنه ای در این دیدار ورود اصناف و بازاریان کشور در جریان مبارزات انقلابی را یکی از حوادث مهم تاریخ انقلاب اسلامی برشمردند و خاطر نشان کردند: بازاریان مدتین در سراسر کشور از اولین گروه هایی بودند که به ندای امام راحل در طول نهضت لبیک گفتند و فضای کشور را در سال ۱۳۴۱ گرم کردند.

کنگره ۱۰ هزار شهید اصناف و بازار برگزار شد

نقدی رئیس بسیج مستضعفان دیروز در کنگره ۱۰ هزار شهید اصناف و بازار با اشاره به سخن مقام معظم رهبری در سال ۱۳۴۱ در دیدار بابازاریان که آنها را به لشکر مردمی اسلام و روحانیت تشبیه کردند، گفت: چنین مجموعه ارزشمندی تشکیل شده است که امروز شکر خدا فداکاری و ایثار آنها ادامه دارد و این موضوع را می توانیم در تقدّم بازاریان و اصناف در همکاری در مسلح کردن کرانه باختری ببینیم که با این موضوع ما و بازاریان اصناف و صنایع می کنیم که کرانه باختری مسلح خواهد شد

و حمایت آمریکا تصمیمی برای مسلح نشدن آن در مقابل اسرائیل نخواهد بود. ما تضمین می کنیم که به زودی رسانه ها خبر دهند که در گرو کشی اسرائیلی در حال قرار به سوی جزایر اطراف هستند. به گزارش ایلنا، وی در بخش دیگر سخنان خود اشاره کرد: امروز آمریکا دسوساترین رژیم در جهان است و در عرصه دیپلمات و پرده از چهره جنایتکار

پیام تسلیت آیت الله العظمی سحانی به مناسبت ارتحال شیخ محرم رشاد

آیت الله العظمی جعفر سبحانی با صدور پیامی ارتحال حجت الاسلام شیخ محرم رشاد بر می فرزند وی، حجت الاسلام علی اکبر رشاد رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تسلیت گفتند. به گزارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در پیامی در مجه تقلید آمده است: فقید سعاد با تقدیم فرزند شهید برای نظام جمهوری اسلامی و خلف صالحی همچون خضر تعالی که خدمات ارزنده ای در قلمرو علمی

بقیه از صفحه اول از کند شدن همکاری ایران با آژانس گروازش هایی را منتشر کرده اند، گفت: همان طور که آقای امامی بعد از سفر به تهران در وین اعلام کرد، جمهوری اسلامی تاکنون ۱۳ طرح ضابط بخش با آژانس همکاری می کند و ۵ عنوان دیگر در دستور کار است.

رئیس سازمان انرژی اتمی ادامه داد: هدف ما از همکاری با آژانس، تبادل دانش حسن نیت و شفافیت و اعتناظ پذیری ایران است و با رویکرد دولت تدبیر و امید است تا جای که ممکن بود اجازه بازدید از مراکز هسته ای را بر عی معادن صادر شد.

وی همچنین در باره سرنگونی یک پهپاد که در آسمان نظز پرواز می کرده است گفت: پیشتر از توضیحی که سپاه پاسداری ارائه کرده است نازم، در عین حال از هوپیار و امانت گیری های مسلح می کنم. که اهداف دشمن را به بن بست رساندند تشکر

صالحی همچنین از مانور زمینی بزرگ در یکی از تأسیسات هسته ای و مانور هوایی در یکی دیگر از تأسیسات هسته ای مان که تا یک دهه داشت نظز نبوده است خبر داد و گفت: تجربیات حاصل از این مانور ها بسیار برای ما گر انقدر بود و خوشحالم

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح گفت: سرنگونی پهپاد اسرائیلی توسط ایران نشان داد که پاسخ جمهوری اسلعی به هر تجاوزی کوبنده خواهد بود. به گزارش اسپسنا، سردار حسین دهقان در برنامه گفتگویی ویژه خبری درباره سرنگونی پهپاد رژیم صهیونیستی توسط سپاه پاسداری انقلاب اسلامی اظهار داشت: حضور این پهپاد در اطراف نظز هدف برای ورودش نمی کند. اسرائیل و آمریکا عده متدنه که برای خود دهفی را تعیین کنند و بگویند که در هر زمان هر جایی به هر طریقی در فضا حاضر می شوم. این پهپاد هم برای گرفتن اطلاعات، تصویربرداری، شنود و جاسوسی مخبراتی فرستاده شده بود.

وی ادامه داد: ایران همواره به صراحت اعلام کرده است که هر نوع تجاوز در هر شرایط و هر موقعیت مکانی که به عنوان تجاوز تشخیص دهد، راحما کوبنده و تمام کننده پاسخ خواهد داد و سرنگونی این پهپاد نشان دهنده استحکام ایران است، اگر کسی تجاوز کند، هیچ ابایی برای پاسخ دادن نخواهم داشت. سرنگونی پهپاد اسرائیلی هم این ادعا را اثبات می کند.

وی افزود: این پهپاد یک هواپیمای هدایت پذیر اسرائیلی بوده که همکاران در د سپاه در حال بررسی آن هستند. فراز از قطعات باقیمانده را به پادامور مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار بگیرد و ممکن است دریافته آن اطلاعاتی وجود داشته باشد.

وزیر دفاع گفت: ما هدف کلان را در وزارت دفاع دنبال کردیم که شامل استفاده از تمام ظرفیت های ملی چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی و تمام کلان بود درباره هم ترین مباحث و مسائل روز کشور به بحث و تبادل را به گونه ای توسعه بدهیم که ما را از دیگران بی نیاز کند؛ دیگری که به دلیل همبازی احتمالی می خواهند خود را بر ما تحمیل و محدودیت های را اعمال کنند، وی افزود: در این دو هدف کلان ما برنامه های

هیات دولت و تشکیل واحدی در وزارت امور اقتصادی و دارایی برای مدیریت و تقویم بدهی های دولت موافقت کرد با هماهنگی بانک مرکزی و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری به این موضوع اهتمام کنند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، جلسه هیات دولت روز یکشنبه به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی برگزار شد و اعضای دولت درباره هم ترین مباحث و مسائل روز کشور به بحث و تبادل نظر پرداختند.

رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در این جلسه، گزارش را بر سرسی وضع بدهی بخش دولتی و بانک ها به بانک مرکزی، بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی و مطالبات غیر جاری به هیات وزیران ارائه داد.

اخبار داخلی

دیدار وزیر خارجه با آیت الله العظمی سیستانی در نجف اشرف

وزیر امور خارجه پیش از ظهر دیروز با آیت الله العظمی سیستانی مرج عاقلیدر شیعیان در نجف اشرف دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش وزارت خارجه کشورمان با اشاره به این که دومین روز از سفر خود به عراق صبح دیروز وارد شد اشرف گفت: ضمن دیدار با آیت الله العظمی سیستانی، مرجع عالیقدر شیعیان در مورد مسائل عراق و تهدیدات در منطقه با ایشان گفتگو و رایزنی کرد.

رئیس دستگاه دیپلماسی ایران پیش از این دیدار با آیت الله بشیر نجفی، آیت الله محمد سعید حکیم و آیت الله فیاض از مراجع عظام تقلید هم دیدار و گفتگو کرده بود.

وزیر امور خارجه پس از دیدار با مراجع و آیت عظام عراق، گفت: امروز همه تلاش ما باید به کمک و نجابت دولت و مردم عراق بینجامد تا به امید خدا منجر به مبارزه با تروریسم شود.

ظریف در دیدار هدف این محامطور که اعلام شد تأثیر ضرورت و جدیت عملی، تمایل ارضی، توسعه و امنیت عراق است که من در این زمینه با مقام ها و مسئولان مختلف در عراق صحبت کرده ام.

دیدار با رئیس جمهوری عراق
رئیس جمهوری عراق هم تا یکدیر به وحدت همه گروه های سیاسی عراق و نقش مرجعیت در ثبات این کشور گفت: جمهوری اسلامی ایران همواره در کنار ملت عراق خواهد بود.

به گزارش اسپسنا، محمدجواد ظریف در ادامه دیدار و گفتگو با مقام های عراقی با فواد معصوم، رئیس‌جمهوری عراق دیدار و گفتگو کرد.

وی در این دیدار اظهار داشت: اطمینان می دهم به همان اندازه که ما مالکی که نقش بزرگی در مبارزه با تروریسم داشت، از دولت آینده عراق هم حمایت می کنیم.

وی گفت: امیدوارم آینده روشنی برای دوستانمان در عراق همکاری و همدلی شکل بگیرد و ما همواره رای دوست خویمان جلال طالبانی دعا کرده ام و می کنیم.

وی با اشاره به این که همه دین مبارزه با تروریسم دیدارهای این کشور، افزود: گروه های حمله گروه های تروریستی به موصل، جمهوری اسلامی در کنار عراق حضور داشته است. وزیر امور خارجه با بیان این که همان روزی که امیریل مورد حمله قرار گرفت ما در کنار مردم اربیل قرار گرفتیم و به آنان کمک کردیم، افزود: گروه های تروریستی که خطر فقط رای یک کشور نیست، بلکه برای همه منطقه، است. وی گفت: همان طور که در کنار برادران کرد و شیعه استفاده ام در کنار برادران اهل تسنن هم حضور خواهیم داشت؛ زیرا فکر می کنیم بزرگترین قربانیان این حملات تروریستی برادران اهل تسنن هستند و خطر گروه های تروریستی برای تمامی ملت عراق است.

وی اظهار داشت: اقدامات و حیسانه

منطقه برای مبارزه با گروه های تروریستی یک ضرورت است. ظریف در دیدار با سید عمار حکیم، به نقش مرجعیت برای تقویت انسجام و وحدت عراق اشاره و یادآوری کرد: مشکلات پیش روی عراق با مرجعیت دینی و مصالح گروه های سیاسی به یک راه حل مطلوب رسید.

سید عمار حکیم هم از حمایت های ایران برای وحدت، ثبات و امنیت و حفاظت از تمامیت عراق تقدیر و تشکر کرد و گفت: دولت و ملت عراق از تلاش های ایران در نزدیک کردن اقوام و مذاهب مختلف در مقابله با گروه های تروریستی تشکر می کند.

وزیر امور خارجه در دیدار ابراهیم جعفری رئیس‌التلاف ملی عراق هم گفت: مبارزه با تهدیدات و افراط فقط از مسیر نظامی نیست و ایران با جدیت آماده همکاری برای مقابله با ترور و ارباع ملت عراق است.

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

را که با یک طایفه یا قومیت مواجه باشد، نمی بینیم بلکه از نظر ما تروریسم خطری منطقه ای است که چه بسا باید د دنیا در جنگ است.

به گفته رئیس دستگاه دیپلماسی برادران کرد، شیعه، مسیحی، سنی و ایزدی همه جزئی از قربانیان این گروه ضد اسلامی و انسانی هستند. به این دلیل جمهوری اسلامی ایران از ابتدا در کنار مردم عراق و عراقی های آن گروه ضد بشری مقابله کرده و به این فکر نکرده قربانیان این اعمال تروریستی چه کسانی هستند.

وزیر امور خارجه تصریح کرد: ما دست همکاری به سوی برادران در عراق دراز می کنیم و آماده ایم که همه دشما که یک جبهه با خطر فراگیر منطقه مقابله کنیم تا به امید اخد این خطر را رفع کنیم.

وی به نقش موثر ابراهیم جعفری و برادران و این است، شیعه و کردها در شکل گیری وحدت ملی و همگرایی در عراق اشاره کرد و گفت: امیدوارم در وهته حیاتی آینده، تا تشکیل کابینه این نقش ادامه یابد و یک دولت با حضور همه طیف ها شکل گیرد.

وزیر امور خارجه کشورمان در دیدار با مقام های عراقی با فواد معصوم، رئیس‌جمهوری عراق دیدار و گفتگو کرد.

ظریف در این دیدار بهار بهار تکمیل روند سیاسی و تسریع در تشکیل دولت فراگیر در عراق و همچنین راه های مقابله با چالش های سیاسی امنیتی در پرتو امنیت ملی تاکید کرد.

وزیر امور خارجه همچنین از آمادگی تهران در حمایت از ملت عراق و تمامی گروه های سیاسی لغال این کشور برای صیانت از تمامیت ارضی، وحدت ملی، قانون اساسی و توسل به راهکارهای قانونی برای حل و فصل مشکلات عراق خبر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

عراق خیر داد وزیر امور خارجه افراطی گری را

رئیس مجلس:

نرخ بیسودی در کشور تأسف بار است



رئیس مجلس شورای اسلامی با تأکید بر این که امیدواریم در سال آینده سطح بودجه آموزش و پرورش بهبود یابد، اظهار داشت: نباید بودجه آموزش و پرورش را مصرفی دانست زیرا جزو امور سرمایه‌ای است.

به گزارش ایسنا، علی لاریجانی دیروز در سی و یکمین اجلاس روسای آموزش و پرورش کشور طی سخنانی اظهار کرد: همواره آموزش و پرورش دارای جهت‌گیری ملی، انقلابی و مسئولیت‌پذیر بوده است.

وی افزود: در آموزش و پرورش کار بخشنامه‌های نمی‌تواند صورت بگیرد اگر هم انجام نشود دولت مسئولیتی ندارد در واقع باید فعالیت‌ها در پشت‌دست‌دستورات و اقدامات سامعیناپور باشد.

رئیس فوق‌مقته در ادامه با اشاره به بودجه آموزش و پرورش، گفت: برای سال ۹۳ خیلی نمی‌توانستیم تحولی در بودجه ایجاد کنیم، اما امیدواریم با تحولی که در پیش است حد قابل‌قبولی در سال آینده محقق شود.

وی با صدور خطاب قرار دادن مسئولان آموزش و پرورش، گفت: آموزش و

پرورش جایی نیست که کار شتاب‌زده در آن نتیجه درستی دهد. باید پشوانه پژوهشی و مطالعاتی درستی انجام شود زیرا باید نگاه‌ها دگرگردد.

لاریجانی افزود: آموزش و پرورش دستگاه رفیض و طوبیلی است و به مانند یک

خانواده بزرگ است اما اصل این سرمایه بزرگ این است که اگر آرامش روانی نداشته باشد نمی‌تواند کارش را درست انجام دهد.

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان این که نیازمند نگاه نو به آموزش و پرورش

هستیم، گفت: تحول‌آلودی که در دنیا رخ می‌دهد تحول جدی‌تری در آموزش و

پرورش ایجاد کرده است و این نگاه نو فقط تغییرات روبروانی است، به عنوان مثال سند تحول تا حدی می‌تواند مسائل را زیر و رو کند.

وی خاطرنشان کرد: یکی از نکات مهم این است که هرگونه تحولی که می‌خواهیم

در آموزش و پرورش ایجاد کنیم این تغییرات باعث‌ناتواندیشی در آموزش و پرورش شود که قطعاً باید مبتنی بر پژوهش باشد و برای راستا باید از کارهای شتاب‌زده پرهیز کرد

زیر آموزش و پرورش جای نیست که اینگونه آزمایشات در آن صورت گیرد.

وی تصریح کرد: در آموزش و پرورش نسل جدید تربیت مساله مهمی است زیرا

توانمند شدن محور قرآنی گیرد نه اثبات اطلاعات و به همین اندازه تربیت معلم هم

شماره اول است. باید تحول آموزشی باید در اس کار قرار گیرد.

رئیس فوق‌مقته در ادامه با اشاره به اینکه موضوع امنیت ملی امروز با آموزش کاملاً

مرتبط است، گفت: حسن هویت ملی، باید برآورد عشق به کشور و ایستادگی بر روی

آرمان‌های کشور مستقیماً با لیاقت امنیت ملی به آموزش ارتباط دارد. به عنوان مثال سند امنیت ملی قرن بیست و یک آمریکا کماشیر را به آموزش و پرورش اختصاص داده است

بنابراین تحولات پریشانی در دنیای امروز در حال رخ دادن است.

وی همچنین به امراهایی که در مودی بی‌سوادی اعلام شده است اشاره کرد و گفت:

آمرایه‌ای که امروز رها برای مساله بی‌سوادی داده می‌شود واقعاً تاسف‌آور است و تا

آنجا که بنده هنوز کلام کردم ظاهر امر این‌ها درست است البته که این نقص مهمی

و مائمی توانیم در کشورمان پیشرفت همراه بی‌سوادی را ملاحظه کنیم.

لاریجانی تأکید کرد: باید حرکت قوی صورت گیرد که بی‌سوادی در کشور از بین

برود و در آینده بتواند برای این مساله وظیفه تقو شود.

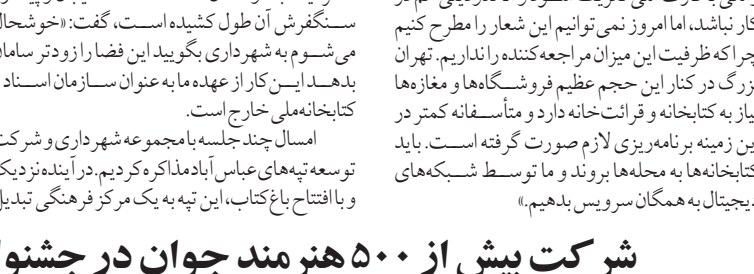
وی همچنین به مقوله کنکور اشاره کرد و گفت: به نظر طبیعی کنکور تنشی در

آموزش ما وجود آورده است و ترس از آن باعث شده افراد در آموزش و پرورش از

سین پایین‌تر خود برای استسزنی آماده کنند که در این صورت به‌احتمالی کافی دروس

آشنایی کمتری خواهند داشت و این اشکال است، حتی کشورهایی هم که کنکور دارند

همیشه از این مساله می‌نالند.



رویس فرهنگی، هنری، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه‌ملی جمهوری اسلامی ایران دیروز در جمع خبرنگاران اظهار داشت که تهران بزرگ در این حجم عظیم‌فره‌وشگاه‌ها و معازم‌هایناز به کتابخانه‌ها و قرات‌خانه دارد.

به گزارش خبرنگارگاما، دکتر سیدرضا صالحی امیری در پاسخ به سئوال خبرنگارگاما مبنی بر این که با ایجاد محدودیت در اماکن همچون کتابخانه‌ملی چطور انتظار دارید مصرف فرهنگی در بین مردم نهاده‌به شود، پاسخ داد: ما وظیفه اخلاقی این است که همه ظرفیت‌های ممکن را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم.

اما نشان می‌دهد ما حداقل روزی هزار و بعضی روزها تا سه هزار نفر مراجعه‌کننده داریم و ظرفیت ما بیش از

سه هزار نفر نیست.

وی افزود: در انتخاب قلمی ما این است که کتابخانه‌ملی

زمانی با کارت ملی تعریف شود و محدودیتی هم در کار نباشد، اما امروز نمی‌توانیم این شعار را مطرح کنیم

چرا که ظرفیت این میزان از مجموعه‌ها اندازیم. تهران

بزرگ در کنار این حجم عظیم فرهنگ‌گاه‌ها و معازره‌ها

نیاز به کتابخانه‌ها در افت‌خانه دارد و متأسفانه کمتر در

این زمینه برنامه‌ریزی لازم صورت گرفته است. باید

کتابخانه‌ها به محلله‌ها بروند و ما توسط شبکه‌های

دیجیتال به همگان سرسید بدهیم.»

روز افزود: در انتخاب قلمی ما این است که کتابخانه‌ملی

زمانی با کارت ملی تعریف شود و محدودیتی هم در کار نباشد، اما امروز نمی‌توانیم این شعار را مطرح کنیم

چرا که ظرفیت این میزان از مجموعه‌ها اندازیم. تهران

بزرگ در کنار این حجم عظیم فرهنگ‌گاه‌ها و معازره‌ها

نیاز به کتابخانه‌ها در افت‌خانه دارد و متأسفانه کمتر در

این زمینه برنامه‌ریزی لازم صورت گرفته است. باید

کتابخانه‌ها به محلله‌ها بروند و ما توسط شبکه‌های

دیجیتال به همگان سرسید بدهیم.»

روز افزود: در انتخاب قلمی ما این است که کتابخانه‌ملی

زمانی با کارت ملی تعریف شود و محدودیتی هم در کار نباشد، اما امروز نمی‌توانیم این شعار را مطرح کنیم

چرا که ظرفیت این میزان از مجموعه‌ها اندازیم. تهران

بزرگ در کنار این حجم عظیم فرهنگ‌گاه‌ها و معازره‌ها

نیاز به کتابخانه‌ها در افت‌خانه دارد و متأسفانه کمتر در

این زمینه برنامه‌ریزی لازم صورت گرفته است. باید

کتابخانه‌ها به محلله‌ها بروند و ما توسط شبکه‌های

دیجیتال به همگان سرسید بدهیم.»

بزرگداشت پروفسور محمدجان شکوری بخارایی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی



سرویس فرهنگی، هنری: مراسم

بزرگداشت داشتند. فرهیخته زنده‌یاد

استادمحمدجان‌شکوری‌بخارایی‌عضو

پوشته فرهنگستان زبان و ادب‌فarsi از کشور تاجیکستان، دیروز در انجمن

آثار و مفاخر فرهنگی بر گزار شد.

به گزارش خبرنگارگاما، در این

مراسم دکتر مهدی محقق رئیس

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: در

آر آورده و گفته است: تاریخ در واقع

بازگو کرد نعمت خداست. شهری در

خراسان ماراوالمهم نیست که شعرا

آن درباره شهرزاد گه‌گشای کتابی نوشته

باشند. مانند تاریخ پهنی و بخاراولی

به گزارش خبرنگارگاما، در این

مراسم دکتر مهدی محقق رئیس

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: در

آر آورده و گفته است: تاریخ در واقع

بازگو کرد نعمت خداست. شهری در

خراسان ماراوالمهم نیست که شعرا

آن درباره شهرزاد گه‌گشای کتابی نوشته

باشند. مانند تاریخ پهنی و بخاراولی

به گزارش خبرنگارگاما، در این

مراسم دکتر مهدی محقق رئیس

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: در

آر آورده و گفته است: تاریخ در واقع

بازگو کرد نعمت خداست. شهری در

خراسان ماراوالمهم نیست که شعرا

آن درباره شهرزاد گه‌گشای کتابی نوشته

باشند. مانند تاریخ پهنی و بخاراولی

به گزارش خبرنگارگاما، در این

مراسم دکتر مهدی محقق رئیس

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: در

آر آورده و گفته است: تاریخ در واقع

بازگو کرد نعمت خداست. شهری در

خراسان ماراوالمهم نیست که شعرا

آن درباره شهرزاد گه‌گشای کتابی نوشته

باشند. مانند تاریخ پهنی و بخاراولی

به گزارش خبرنگارگاما، در این

مراسم دکتر مهدی محقق رئیس

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: در

آر آورده و گفته است: تاریخ در واقع

بازگو کرد نعمت خداست. شهری در

خراسان ماراوالمهم نیست که شعرا

آن درباره شهرزاد گه‌گشای کتابی نوشته

باشند. مانند تاریخ پهنی و بخاراولی

به گزارش خبرنگارگاما، در این

مراسم دکتر مهدی محقق رئیس

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: در

آر آورده و گفته است: تاریخ در واقع

بازگو کرد نعمت خداست. شهری در

خراسان ماراوالمهم نیست که شعرا

آن درباره شهرزاد گه‌گشای کتابی نوشته

باشند. مانند تاریخ پهنی و بخاراولی

به گزارش خبرنگارگاما، در این

مراسم دکتر مهدی محقق رئیس

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: در

آر آورده و گفته است: تاریخ در واقع

بازگو کرد نعمت خداست. شهری در

خراسان ماراوالمهم نیست که شعرا

آن درباره شهرزاد گه‌گشای کتابی نوشته

باشند. مانند تاریخ پهنی و بخاراولی

به گزارش خبرنگارگاما، در این

مراسم دکتر مهدی محقق رئیس

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: در

آر آورده و گفته است: تاریخ در واقع

بازگو کرد نعمت خداست. شهری در

خراسان ماراوالمهم نیست که شعرا

آن درباره شهرزاد گه‌گشای کتابی نوشته

بزرگداشت پروفسور محمدجان شکوری بخارایی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی



زبان و ادب فارسی از انقلاب و

روپاشی اتحاد جماهیر شوروی،

بزرگان دانشگاهی زبان و ادب فارسی

که از ایران دیدن کرده بودند، به تعداد

انگشتان کی دست نمی‌رسید. وی

گفت: بخسارا را باید در شعر رودکی

سجستجو کرد و هجندار در شعر

سعدی، ما با فروپاشی شوروی با قلمرو

سویعی از زبان و ادب فارسی مواجه

شدیم می‌خواهم بگویم که اگر زبان

فارسی در تاجیکستان زنده است،

و به واسطه کوشش کسانی همچون

شادان روز شکوری بخارایی است وی

در ادامه گفت: اگر در گذشته بخارامرکز

زبان فارسی بود، امروز دوشنبه مرکز

است. البته ما قاصر و مقصر بودیم و

کار را که آقای دکتر محقق در اینجا

انجام داده‌اند، ما باید در فرهنگستان

انجام می‌دادیم. البته ما هم به مهر خود

برای استاد شکوری در فرهنگستان

زبان و ادب فارسی بزرگداشتی بر گزار

خواهیم کرد.

پس از تحصیل ادبیات، تاریخ ادیان و ادبیات

لازمین و زبان‌ها و ادبیات، تاریخ ادیان و ادبیات

خوشش را پس از اخذ دکتر از ۱۹۳۳ در دانشگاه

اوپسالا آغاز کرد و در ۱۹۹۶ در گذشت. حوزه

مطالعاتی ویدن گرن پیدایش‌شناسی دین بود و درباره

ادیان و مذاهب ایرانی از جمله اسلام پژوهش‌هایی

انجام داد.

وی به زبان‌های اوستایی، پهلوی، ارمنی، ترکی،

فارسی، سانسکریت و سامی تسلط داشت و آثار

متعددی منتشر کرد. شش کتاب او با عنوان‌های مانی

و تعلیمات او (ترجمه نرخت صفای اصفهانی)، هنر

مانوی و زرتشتی (ترجمه یعقوب آذنی)، دین‌والیسیم

در ایران باستان (ترجمه هوشنگ صادقی)، دین‌های

ایران باستان (ترجمه منوچهر فرهنگ)، جهان‌معتوی

ایرانی از آغاز تا اسلام (ترجمه محمود کنذری) و

پژوهشی در خرقه درویشان و دلی صوبان (ترجمه

بهار مختاریان) به فارسی برگردانده و انتشار یافته

است. ویدن گرن در دهه ۱۹۷۰- ۱۹۶۰ ریاست

انجمن بین‌المللی تاریخ دین را بر عهده داشت.

مراسم بزرگداشت دین گرد ویدن گرن و

بررسی کتاب پژوهشی در خرقه درویشان و

دلی صوبان، سه‌شنبه چهارم شهریور ساعت

۱۶ و ۲۰ دقیقه در مرکز فرهنگی شهر کتاب بر گزار

می‌شود و دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر فضل‌الله

پاکزاد و دکتر بهار مختاریان درباره مقام علمی و آثار

او سخن می‌گویند.

استادمنندان بسیاری حضور در این نشست

می‌توانند به فکر فرهنگی شهر کتاب و در خیابان

شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر مراجعه

کنند.

محقق پژوهشگاه

برنده جایزه علوم زیستی یونسکو شد

جایزه یونسکو در حوزه علوم زیستی در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵ به دکتر بهاروند،

محقق پژوهشگاه رویان اعطا شد.

به گزارش ایسنا، جایزه بین‌المللی یونسکو-گینه استوایی به افراد، موسسات و

سازمان‌های مردم‌نهادی تعلق می‌گیرد که در حوزه علوم زیستی انجام

داده باشند و این پژوهش‌ها منجر به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها شود.

کمسیون ملی یونسکو در ایران پس از اطلاع‌رسانی این جایزه در ۲۰۱۴ سال

در دریافت درخواست‌های متقاضیان، سه نفر از اساتید علوم زیستی معرفی کرد

که از میان آنها دکتر حسین بهاروند، رئیس پژوهشگاه سلول‌های بنیادی پژوهشگاه

رویان به همراه دو نفر دیگر از کشورهای عضو یونسکو به‌طور مشترک برنده

جایزه بین‌المللی یونسکو-گینه استوایی در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵ شدند. این اولین

بار است که از کشورمان فردی جایزه بین‌المللی یونسکو-گینه استوایی را دریافت

می‌کند. جایزه بین‌المللی یونسکو-گینه استوایی شامل مدال، لوح تقدیر و مبلغ

۳۰ هزار دلار است و معرفی داوطلبان واجد شرایط باید از طریق کمسیون‌های

ملی کشورها انجام شود.

دکتر میرزاده: ۶ هزار نفر عضو هیات علمی دانشگاه آزاد می‌شوند



واقع شده است.

وی توسعه کیفی واحدهای

دانشگاهی علوم پزشکی، بهبود

شیوه‌های پذیرش دانشجو در

گروه‌های مختلف علوم پزشکی، ایجاد

محیط آموزشی رقابتی در عرصه علوم

پزشکی و سلامت و تقویت ارتباط بین

آموزش و عرصه‌های بانمی و جامعه

را از برنامه‌های انجام‌شده برای ارتقای

حوزه پزشکی دانشگاه آزاد عنوان

کرد.

قائم مقام رئیس دانشگاه آزاد،

در حوزه پزشکی همچنین از تأدین

دستورالعمل راه‌اندازی آموزش

پرستاری، باهرمندی، بیمارستان‌های

خصوصی درجه یک تهران خبر داد و

گفت: برای این منظور از معاونت

آموزشی وزارت بهداشت درخواست

کرده‌ام، به‌موجب استفاده، بیمارستان‌های

خصوصی برای آموزش پرستاری را

صادر می‌کنیم.

وی با بیان اینکه به منظور ارتقای

کیفیت آموزش لازم است، امور شهری

که دارای احداث دانشگاهی معرفی

رشته‌های علوم پزشکی است، به

«ریش ساختخمان در حال ساخت در مشهد ۴ مصدوم بر جای گذاشت. مدیر حوزه ۲ سازمان آتش نشانی مشهد در توضیح علت این حادثه گفت: هنگام ساخت طبقه دوم ساختمان، سنگینی مصالحی که به طبقه دوم منتقل می‌شدند، باعث ریزش سقف طبقه اول شد.»

«ریش ساختمان در حال ساخت در پاکدشت ۳مصدوم و ۴ مجروح بر جای گذاشت.»
«یک ساختمان در حال ساخت در گیشا ریزش کرد.»

«گودبرداری بدون مجوز در شهرک غرب، باعث نشست خیابان شد.»

«فروریختن سقف ساختمان در حال ساخت ۵ طبقه در محله ۱۶ متری امپریه، سبب مرگ مالک ۸۰ساله این ساختمان که برای سرکشی از روند ساخت و ساز به محل حادثه رفته بود، شد. پسر مالک ساختمان، علت حادثه را مصالح نامرغوب عنوان کرد و افزود: تمامی موارد ایمنی برای ساخت این ساختمان در نظر گرفته شده بود.»

«ساختمانی در میدان نواب قم در حین عملیات گودبرداری ریزش کرد. عدم رعایت موارد ایمنی در گودبرداری و اجرای غیراصولی سازه نگهبان و عدم تحکیم مناسب ساختمان‌های اطراف، علت بروز این حادثه بود.»

اخباری از این دست را بسیار خوانده‌ایم و شنیده‌ایم. حال چگونه می‌توان از عواقب تخلفات ساختمانی‌سازی در امان ماند؟

نقشه طراحی، نقشه اجرائی!

مهندس مسعود د دانش‌آموخته عمران، درباره مقررات ملی ساختمان و تخلفاتی که ممکن است در این زمینه صورت بگیرد، به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: ساختمانی ۱۹ میحت (کتاب) به نام مقررات ملی ساختمان دارند که به «آیین‌نامه» معروف است و نظام مهندسی ساختمان نیز وظیفه تطبیق نقشه ارائه شده توسط کارفرما و آیین‌نامه را بر عهده دارد. وقتی قرار است تخلفی از آیین‌نامه یاد شده صورت بگیرد، معمولاً نقشه‌ها ۲ بار طراحی می‌شوند، یک‌بار به نام «نقشه طراحی» و برای ارائه به نظام مهندسی و کسب مجوز و یک بار به نام«نقشه اجرائی» که عموماً دارای تخلفاتی از دستور است که پس از است و بار مالی کمتری برای سازنده دارد. ساختمان طبق نقشه دوم ساخته می‌شود.

این مهندس عمران می‌افزاید: هر چند سازمان نظام مهندسی فردی را به عنوان «مهندس ناظر» برای جلوگیری از تخلفات ساختمانی می‌گمارد، اما به دلیل تعداد کم دفعات مراجعه مهندس ناظر به محل ساخت و ساز- که نهایتاً ۵ ایترا بر بررسی می‌کند و البته باتوجه به تعرفه بسیار کم نظارت، تعداد مراجعه‌های بیشتر امکان‌پذیر نیست - عملاً راه برای اجرای نقشه دوم که پر از تخلفات است، باز می‌شود.

با وجود این که در ساختمان‌های متراژ بالا به کارگرفتن «مهندس مجری» که نقش نظارتی را دارد لازم است، اما گاهی مهندسان مجری نظارت ضعیفی دارند و سر پروژه حاضر نمی‌شوند، یعنی عملاً ساختمان بنا به دلخواه کارفرما و با توجه به جیب او ساخته می‌شود، نه به صورت مهندسی شده!

تخلف برای کاهش هزینه‌های ساختمان سازی

مهندس مسعود دایان عوامل موثر در انجام تخلفات ساخت و سازها می‌گوید: به دلیل تعرفه بسیار پایین طراحی سازه، مهندسان طراح وقت کمتری را برای طراحی المان‌های سازه‌ای در نرم

ساخته‌ایم. در حالی که در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

در واقعیت، بارگذاری

کلپایر کی گاه شهرمیستقلان

همایش معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری مازندران

سازي-خبرنگاراطلاعات:همایش معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری مازندران به همت استانداری مازندران و با مشارکت دستگاه‌های اجرایی، مراکز علمی و دانشگاهی استان و شرکت‌های مشاور، شهروپرمسال بر گزار می‌شود. معاون برنامه‌ریزی استانداری مازندران با اعلام این خبر افزود: این همایش به منظور معرفی زیر ساخت‌های اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده از سوی دستگاه‌های اجرایی استان و همچنین شناساندن شرکت‌ها و اولویت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف کشاورزی، گردشگری، صنعت و معدن، انرژی، حمل و نقل، عمران شهری و دیگر بخش‌ها به سرمایه‌گذاران خصوصی بر گزار می‌شود.

علی احسانی گفت: از دیگر اهداف این همایش، شناساندن فضای تعاملی حاکم بر کشور و استان به سرمایه‌گذاران، تبادل اطلاعات و ارتقاء هماهنگی و همکاری برای دست‌اندر کاران و نهادهای مرتبط با حوزه سرمایه‌گذاری و فراهم کردن بستر و تشویق به مشارکت هرچه بیشتر بخش خصوصی و اقتصادمدان به سرمایه‌گذاری در مازندران است. وی تصریح کرد: مهم‌ترین بخش‌ها و محورهای همایش یادشده انرژی، گردشگری، کشاورزی، صنایع تبدیلی، صنعت و معدن، حمل و نقل و امور زیربنایی، مناطق آزاد اقتصادی و بازرگانی، بهداشت و درمان و عمران شهری است.

برگزاری همایش ملی خاک و محیط زیست در ارومیه

ارومیه- خبرنگار اطلاعات: همایش ملی خاک و محیط‌زیست با نگرش زیست‌محیطی به دریاچه ارومیه، روزهای شنبه‌یور به حضور مسئولان کشوری و استانی در تالار شهید رحمان دانشگاه ارومیه برگزار می‌شود.

دکتر حبیب خداوردیلو، دبیر کنگره با اعلام ایسن خبر افزود: این همایش که برای نخستین بار در دانشگاه ارومیه بر گزار می‌شود، با شعار «خاک سالم، غذای سالم، انسان سالم» با حضور استادان و چهره‌های تخصص علمی با اقدام گروه علوم خاک دانشگاه ارومیه و همکاری اداره کل حفاظت از محیط زیست آذربایجان غربی، سازمان جهاد کشاورزی استان و دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی آذربایجان غربی در دانشگاه ارومیه برگزار خواهد شد.

وی اضافه کرد: از سخنرانان این همایش دکتر عیسی کلاتری، دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه است که در مورد راهکارهای ۴۲ گانه احیاء دریاچه ارومیه مصوب هیات دولت ارائه طریق خواهد کرد.

صدور ۴۰ هزار کارت ملی هوشمند در اردبیل

اردبیل خبرنگار اطلاعات: ۴۰ هزار و ۳۵۹ قطعه کارت ملی هوشمند از ابتدای امسال تاکنون صادر شده است.

خلوصی معاون فرمانتیک اداره کل ثبت احوال استان اردبیل با بیان مطلب بالا اظهار داشت: تعداد افراد کل در صدور کارت هوشمند ملی در سال ۱۳۹۲ حدود ۵۰ هزار و ۸۲۰ نفر کم می‌بوده است.

وی اظهار امیدواری کرد آستان اردبیل به عنوان پایلوت دولت الکترونیک انتخاب شود.

مهمترین ملک خدتمگزاری مسئولان، رضایتمندی مردم است

شهروح- خبرنگار اطلاعات: پربرداری در برابر مشکلات و نارسایی‌ها و ترویج اخلاق‌مداری جزو اساسی‌ترین راهکارهای حل مشکلات جامعه است.

حجت‌الاسلام سیف‌الله یعقوبی، نماینده‌ی مقام معظم رهبری و امام جمعه شهرود در جلسه‌ی شورای مدیران شهرضا با اعلام این مطلب و با اشاره به دیدارهای چهره به چهره مسئولان و مردم گفت: رضایتمندی مردم یکی از مهمترین ملزوماتی خدمتگزاری مسئولان است.

در این جلسه سیدمرتضی‌قلی پارس‌مادر شهرضا با ارائه گزارشی در مورد مسائل جاری شهرستان اظهار داشت: اعتبارات عمرانی اختصاص داده به این شهرستان در سال جاری با کاهش ۱۹ درصدی نسبت به سال گذشته وبقی بالغ بر ۳۲ میلیارد ریال است.او از مسئولین ادارات خواستار پیگیری مسائل استانی شد و بیان داشت: مدیران ادارات با پیگیری‌های لازم نگذارند توسط مسئولی در استان سلبقهای عمل شود.فرماندار شهرضا با اشاره به رسیدگی به مشکلات صنعتگران شهرستان و راه حل راه‌مطالعی را بیان داشت و افزود: طرح‌های صنعتی برای بحث اشتغال بسیار مهم است و پراساس برنامه‌ریزی‌های انجام گرفته با محوریت بسیج سپاه در قالب طرح‌های اقتصادی زودبازده امیدواریم اجرایی شود.

ازدواج کنید!

همسان گزینی ♥ **۱۵ سال سابقه موفق**
معرفی افراد مناسب
مشاوره کارکنان
۰۹۲۳۰۵۱۸۸
روانشناسی
۰۹۱۲۰۵۱۲۱
ازدواج آگاهانه
۰۹۰۹۲۰۵۱۲
تجاسی ۹ تا ۱۹
خانه امید، ۰۳۳۱۶-۶۶۹۰۰۲۱
www.hamsangozini.com

دعوت می‌شود

مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده بدین‌وسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی آنان دعوت بعمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت‌های مستحقانی اروند رده به شماره ثبت ۱۳۲۲۱ که در ساعت ۱۲ روز شنبه مورخه ۱۳۹۳/۱۵/۹ در محل قانونی شرکت تشکیل می‌شود حضور به هم رسانید.

دستور جلسه:
۱- واگذاری و انتقال حقوق مربوط به احداث ۱۰ واحد مسکونی پروژه اسلامشهر به بدهکاران

هیات مدیره

آگهی مزایده عمومی
شرکت هتل بین‌المللی پارسیان استقلال تحت پوشش شرکت هتل‌های بین‌المللی پارسیان در نظر دارد نسبت به واگذاری ۸ باب غرف مرکز تجاری به بهره‌بردار واجد شرایط از طریق برگزاری تشریفات مزایده اقدام نماید.
۱-عُرف شماره ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲



شلواری تاخورد دارد، مردی که یک پا ندارد
خشم است و آتش نگاهش؛ یعنی: تماشا ندارد
تق تق کنان چویدستش، روی زمین می نهد مهر
با آن که ثبت حضورش، حاجت به امضا ندارد

«سپیدپهپانی»

ادب و هنر

۲۸۲

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات
ویژه فرهنگ، هنر و ادبیات

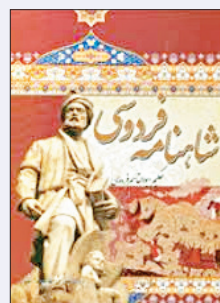
سه شنبه ۴ شهریور ۱۳۹۳
سال هشتاد و نهم - شماره ۲۵۹۵۴



نهان راستی شد، گزند آشکارا

◀ | غلامرضا قدس

«گنج رنج سی ساله فردوسی بزرگ، نه فقط بزرگترین و پرمایه‌ترین دفتر شعری است به نام «شاهنامه» که از عهد و روزگار سامانیان و غزنویان بازمانده است، بلکه در واقع مهم‌ترین سند افتخار و عظمت زبان فارسی و روشن‌ترین گواه شکوه و رونق فرهنگ و تمدن ایران کهن است.»



هر چند فردوسی با شاهنامه خود نام و یاد افسانه‌ها و قهرمانان ملی ایران را جاودانه ساخت و سندهویت ایران و ایرانیان را به جهانیان عرضه کرد. اما «در این میان بزرگترین قهرمان، خود او و باشکوه‌ترین حماسه،

کار و زندگی و رنج و روزگار خود اوست.» در سال‌های پر حادثه و رویدادهای ناگوار پیاپی بود که فردوسی تصمیم گرفت تا با سرودن داستان‌های ملی و تاریخی، افتخارات فراموش شده و عظمت‌های از یاد رفته و گاهی بر باد رفته ایرانیان را یادآوری کند و با سرودن شاهنامه، روح عزت و سربلندی و ظلم‌ستیزی را در کالبد ایرانیان بدمد و با این کار، نام‌های شاهانه در وصف عظمت و شکوه ایرانیان سرود که «شاهنامه» نام گرفت.

فردوسی تمام ثروت و سرمایه مادی و فکری خود را همراه با سی سال از بهترین ایام زندگی‌اش را وقف این کار کرد تا ایرانیان سرمایه شرف و عزت خود را باز یابند و عمر تلف شده خود را در کوره سوزان ظالمان زمان باز جویند.

هر چند هدف مقدس شاعر از نظم و تدوین این اثر جاودانه، جمع و نقل اساطیر نبوده است و می‌خواسته است تاریخ ایران را از روی روایات کهن به نظم آورد.

او با سرودن شاهنامه در حقیقت تصویر کاملی از اوضاع زمانه خود را ترسیم کرده است. وقتی که می‌گوید: در زمان حاکمیت ضحاک، راستی و حقیقت، جرأت عرض اندام ندارد و ریاکاری و فریب در جامعه حاکم شده است، دانشمندان، فرصت‌ایز عقیده ندارند و در مقابل گرگ‌های آدم‌نمای فاسد و تبهار، جای انسان‌های مؤمن و صالح را گرفته‌اند و ضحاک، کاری غیر از کشتن و غارت کردن و سوزاندن نمی‌داند؛ در حقیقت، دارد اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان خود و جایگاه ناپسامان فرزندانگانه فرهیخته و حاکمیت سفاکان و خون‌ریزان را بر جامعه آن روز بیان می‌کند.

نهان گشت کردار فرزندانگان

پراکنده شد کام دیوانگان

هنر خوار شد جادوی ارجمند

نهان راستی، آشکارا گزند

شده بر بدی دست دیوان دراز

به نیکی نرفتی سخن جز به راز

ندانست جز کژی آموختن

جز از کشتن و غارت و سوختن

بقیه در صفحه ۵

گفت و شنود مجله «ادبستان» دهه ۷۰ با سمیع القاسم، شاعر بزرگ فلسطینی

آتش مقدس شعر و هنر

و مهمان غرّة فلسطین بود. او در همین سفر، به روزنامه اطلاعات نیز آمد و ضمن بازدید از مؤسسه اطلاعات و بخش‌های مختلف آن، با مجله وزین ادبستان آن موقع، به گفت و گو نشست.

آنچه در پی می‌آید، خلاصه و گزیده‌ای از این گفت و گوی مفصل و مبسوط است که در هفتمین روز درگذشت این شاعر بلندآوازه فلسطینی، تقدیم مخاطبان فرهیخته ضمیمه ادب و هنر می‌شود که همواره مورد لطف و تفقد مسئولان ادبستان و به خصوص دکتر سیداحمد سام عزیز بوده است.

و دوست قدیمی شاعر فلسطینی به خبرگزاری فرانسه گفت: «سمیع القاسم» پس از ۳ سال مبارزه با سرطان کبد در بیمارستان سافید در شمال فلسطین اشغالی درگذشت.

آخرین کتابی که در ایران درباره این شاعر به چاپ رسید، با عنوان «سمیع القاسم و شعر معاصر فلسطین» نوشته حسین ابوسامی از سوی انتشارات سروش در بهار امسال (۱۳۹۳) منتشر شد. پیکر این شاعر در «الرامه» محل تولدش به خاک سپرده شد.

اردیبهشت سال ۱۳۷۰، سمیع القاسم در چهارمین نمایشگاه کتاب تهران حضور یافت

اشاره: سمیع القاسم، شاعر مبارز فلسطینی، عصر سه شنبه ۲۸ مرداد، بعد از مبارزه طولانی با سرطان، در سن ۷۵ سالگی درگذشت.

سمیع القاسم بعد از محمود درویش، شناخته شده‌ترین چهره ادبیات مقاومت فلسطین است. او بیش از ۳۰ دفتر شعر، داستان، و نمایشنامه دارد.

تنوع اسلوب‌های شعری، اجرای گفت‌وگویی اندیشه‌ها، گسترده‌گی خیال، استفاده از ساختار نمایشی قصاید و سهل و ممتنع بودن عبارات، از ویژگی‌های شعر این شاعر فلسطینی است. «حسام الخوری» نویسنده

* آقای سمیع القاسم با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید، به عنوان اولین سؤال بفرمایید که شعر فلسطین در صحنه شعر معاصر عرب چه جایگاهی دارد؟

– تا حدود سالهای ۱۹۶۷-۱۹۶۸ در جهان عرب، شعر فلسطین آوازه چندانی نداشت و شعرای اندکی از دوره شکست سال ۱۹۴۸ در صحنه شعر فلسطین بودند. اما بعد از شکست سال ۱۹۶۷ شعر فلسطین به عنوان عالی‌ترین پاسخ هنری جلوه کرد. شعر فلسطین از آن دوره به بعد هم از نظر شکل و هم محتوا اقبال شدیدی یافت. چرا که این شعر تجربه جدیدی ارائه کرد و خود را در دو زمینه فکری و فنی به ثبت رساند.

* خواننده علاقه‌مند ایرانی مایل است بداند که با شاعر فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی چگونه رفتار می‌شود؟

– طبعاً در آنجا یک موضعگیری قدیم و رسمی وجود دارد که سعی می‌کند فرهنگ اعراب را با دستگاه حاکمه منطق و همساز کند. آنها بعضی از قلم‌ها و گرایش‌هایی را که برای آرمان اصلی و مسأله اشغالگری و آوارگی و درد و رنج این ملت دغدغه‌خاطر می‌نداشتند، تشویق می‌کردند و لذا روشنفکران، میهن‌پرستان و انقلابیون وظیفه خود دیدند که جایگزینی برای این تمایلات پیدا کنند و همانطور که گفتم آثار خوبی از نظر فنی و هنری ارائه کردند و در آن به مضامین انسانی پیشرو و انقلابی پایبند شدند. هنرمندان انقلابی هنر خود را چنان ترقی دادند که توده‌های عرب با علاقه به سمت آن کشیده شدند. این امر، دستگاه حاکمه را به سوی رویارویی واقعی کشاند.

نگاهی به فیلم «امروز» رضا میرکریمی

به همین سادگی!



فیلم امروز رضا میرکریمی را باید فراتر از ساحت سینمایی و مؤلفه‌های نقد واکاوی کرد. فیلم بیش از آن که سویه دراماتیک داشته باشد، تأویلی جامعه شناختی از جامعه امروز ماست.

نام «امروز» برای این فیلم، خود گواه بر این رویکرد است. جامعه‌ای که درگیر روزمرگی‌های ملال‌انگیز شده و دچار بحران اخلاقی است.

آنچه بیش از هر چیز مرکز ثقل این بحران را تشکیل می‌دهد، پیش‌داوری‌ها و قضاوت‌های شتاب‌زده و ناعادلانه است که به ایجاد تنش و عصبیت در ساحت عمومی و مناسبات انسانی منجر شده و زیست-جهان اخلاقی را دچار چالش کرده است.

امروزه حتی اخلاقی زیستن، دیگر فضیلت محسوب نشده و مصداقی از ساده‌دلی و حماقت است. امروز اما نوعی بازگشت به سادگی است که این ارجاع، هم نمادین است، هم نهادین. به این معنی که امروز می‌توان بازگشت سینمایی میرکریمی به فیلم به همین سادگی دانست که اتفاقاً در آنجا نیز شادمهر راستین نویسنده فیلمنامه بود و هم ارجاع به سادگی و صداقت و صبوری که شمایل انسان ایرانی را به تصویر می‌کشد.

یونس (پرویز پرستویی) از جنس همان مردانی است که هرگونه ناسازگاری روزگار را تاب آورده و مدام لب به شکوه و شکایت نمی‌زند. اهل ناله و گلابه نیست. مرد صبر و حوصله است.

بقیه در صفحه ۵

گفت و شنود مجله «ادبستان» با سمیع القاسم، شاعر بزرگ فلسطینی

ادبیات جهان

آتش مقدس شعر و هنر

بقیه از صفحه اول

من تنها نیستم. بسیاری از شعرا و نویسندگان و نقاشان دیگر هم هستند. همه نرفته اند شاید منظور شما برادرم محمود درویش باشد. این یک مسأله شخصی است. من ترجیح می دادم که محمود درویش در فلسطین بماند برای این که او دوست صمیمی من بود و بارفتن او احساس خلاء بزرگی کردم، اما با این حال خروج محمود او را از فعالیت های ادبی باز نداشت. او در خارج نیروی کار آمدی شد. مسأله ماندن یا رفتن از وطن یک مسأله شخصی است. من کله شق هستم و از برج (ثور) اردیبهشت! (می خندد و می گوید) با این لجاجت من از فلسطین بیرون نرفتم و تحت هیچ شرایطی نیز از فلسطین بیرون نخواهم رفت مگر جنازه من از آنجا بیرون برود.

با این حال هرکس از فلسطین بیرون رفته، مزدور یا خائن نیست و همانطور که گفتیم این یک تصمیم شخصی است.

*** این جواب شما را به سؤال دیگری می کشاند. محمود درویش به اعتقاد ما دارای دو شخصیت است. یکی سیاسی، دیگری فرهنگی. بسیاری از مواقع شخصیت سیاسی او شخصیت دیگر را زیر پوشش قرار می دهد. سؤال این است: اگر محمود درویش در داخل سرزمینهای اشغالی بماند آیا تا این حد سیاسی کار می شد؟**



نه من و نه محمود درویش نمی توانیم صرفاً شاعر باشیم. ما در زمینه سیاسی هم فعالیتیم. اما من شخصاً نمی توانم در یک چارچوب محدود باقی بمانم. محمود هم همینطور. او وقتی برای عضویت در کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین انتخاب شد خوشحال نبود.

زیرا می دانست هماهنگی میان هنر و یک کار مشخص سیاسی تا چه اندازه دشوار است. با این حال به اعتقاد من شعر محمود درویش در این میان ضربه نخورده است. او پیش از عضویت در کمیته اجرایی و بعد از آن، اشعار خوب و زیبایی سروده است.

*** اما در شرایط جنگی میان ایران و عراق محمود درویش لاقال می توانست مانند شما بی طرف باقی بماند...**

اما من بی طرف نبودم. و در جبهه مخالف آغاز کننده جنگ بودم.

*** برخی از منتقدان معتقدند که آواز ادبیات فلسطین صرفاً رهون مسأله فلسطین است. یعنی با این گفته به یک معنی قصد دارند از شأن ادبیات و هنر فلسطین بکاهند. در این باره چه نظری دارید؟**

جهان عرب و روند نقد در این منطقه از سال ۱۹۶۷ به بعد در قبال شعر و ادبیات فلسطین دو موضع متناقض داشته است. در یک ارزیابی غیر علمی و غیر نقادی ناقدان می گفتند که شعر فلسطین قابل نقد نیست و طوری با آن رفتار می کردند که گویی متونی مقدس است. ما به آنها می گفتیم که با شتاب حکم صادر نکنید. شعر فلسطین هم قابل نقد است، ولی وقتی شعر فلسطین به مردم عرب رسید و به رایج ترین شعر عرب تبدیل شد. بعضی ها احساس کردند که رقیبی منطقه ای برای آنها پیدا شده است و

لذا شروع کردند به گفتن این که شعر فلسطین ارزش خود را از مسأله فلسطین می گیرد. شاید یک ناقد لبنانی بیاید و بگوید شعر لبنان بهتر است و همینطور یک ناقد عراقی بگوید شعر عراق و غیره... و این حرف ها کلاً از خاستگاهی منطقه ای و غیر علمی برخاسته است.

در واقع شعر فلسطین و نمونه های بسیاری از شعر معاصر عرب به تعداد زیادی از زبانهای زنده دنیا ترجمه شده و شعر فلسطین جلوه ای ویژه یافته است و البته این سخن کلی است و اگر به جزئیات بپردازیم می گوئیم که فلسطینی ها شعری دارند که الان در شعر جهان جایگاهی یافته اند و شعری دیگری هم هستند که شهرشان از مرز محل سکونت یا کشور های عربی



فراتر نرفته است. شعر یک مسأله فردی است و هیچ عادلانه نیست که بگوئیم شعر فلسطین قیمت و ارزش خود را صرفاً از آرمان فلسطین گرفته است. البته ما افتخار می کنیم که شاعران یک آرمان هستیم و افتخار می کنیم که آرمان ما عظیم و سترگ است. شاید متهم به غرور و خودپسندی نشویم اگر بگوئیم بعضی از نمونه های شعر فلسطین از جنبه فنی از عالیترین شعر های معاصر جهان محسوب می شود. خواننده انگلیسی زبان ما را بر اغلب شعری انگلیسی ترجیح می دهد.

همینطور هم فرانسوی یا روسی زبان. پس یک مسأله صرف سیاسی در میان نیست و این جنبه هنری است که حرف آخر را می زند. به اعتقاد من واقعیت امر این است، و این هم در چارچوب نقشه های خصمانه علیه فلسطینی ها می گنجد.

*** سمیع القاسم، سمبل شعر مقاومت فلسطین در سرزمین های اشغالی است و محمود درویش همین سمبل اما در تبعید. پرسش این است که در میان این دو گرایش شعری داخل و خارج فلسطین، چه ویژگی های مشترک و چه تفاوت هایی وجود دارد؟**

تا سال ۱۹۶۷ موضوعات شعری داخل و خارج فلسطین باهم تفاوت داشت. شاعران در تبعید درباره اشتیاق و دلنگی به خانه و کاشانه و پرتقالستان ها و درختان زیتون شعر می سرودند و از وضع اردو گاهها و کارت گرفتن اوراق سخن می گفتند. اما شاعران داخل فلسطین از جنگ زدن به زمین، از حکومت نظامی، درگیری های روزانه سیاسی و فرهنگی با صهیونیست ها می سرودند و لذا موضوعات این دو کم و بیش تفاوت داشت با این حال این موضوعات



سمیع القاسم، شاعر مبارز فلسطینی در باز دید از روزنامه اطلاعات - اردیبهشت ۱۳۷۰ - مرحوم سید حسن حسینی شاعر انقلاب نیز (از سمت چپ نفر پنجم) که در آن ایام با روزنامه اطلاعات و مجله ادبستان همکاری داشت در این دیدار حضور دارد. آقای دکتر سید احمد سام مدیر مسئول مجله ادبستان هم (از سمت چپ نفر سوم) در عکس دیده می شود

یکدیگر را تکمیل می کردند. به عبارتی شعر داخل و شعر خارج از فلسطین در کنار هم تصویری از واقعیت از هم گسیخته ملت فلسطین ارائه می کردند.

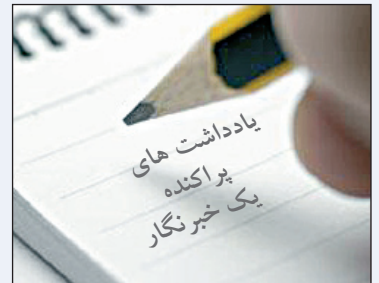
بعد از سال ۶۷ میان دو شعر سکونت در فلسطین و تبعید، تداخلی به وجود آمد و با این تداخل در لحن و در تصویرها شباهت هایی پدیدار شد. وقتی کرانه باختری و نوار غزه به اشغال درآمد، نزدیکی هایی میان تجربه های دو سو، رخ نشان داد و این دو شاخه از شعر فلسطین بیش از پیش به هم نزدیک شد و موضوعات و رنج ها و دردها و تصاویر هم خویشاوندی پیدا کرد.

بعد که انتفاضه رخ داد و انتفاضه قیام تمام ملت فلسطین است و نه فقط داخل و یا خارج سرزمین های اشغالی - طبیعتاً نویسنده و شاعر فلسطینی در هر دو سوی مرز با جان و دل و با مفاهیم مشترک به باز گویی انتفاضه پرداخت و مسائل مطرح از جنبه محلی به معنی موقعیت جغرافیایی - به سوی فراگیری به مفهوم ملت و مردم گرایش یافت. و همانطور که پیشتر از کشتارهای سپتامبر سیاه به درد آمده بودیم و درباره آن شعرها می سرودیم، انتفاضه یک موضوع فراگیر و عمومی شد و اکنون در شعر فلسطین و ادبیات و هنر فلسطین به طور کلی، پیوندهای مستحکم تری به وجود آمده است.

*** منابع و سرچشمه های شعری سمیع القاسم - چه عربی و چه غیر عربی - کدامند؟**

بیش از هر چیز، من از تراث و فرهنگ بی کران شعر عرب بهره برده ام، از شاعران جاهلی از شعری صعلیک مانند «شغری» و «عروة بن الورد». بعد شعری رسمی مانند امرؤ القیس و شعری صدر اسلام. شعری دوره امویان و عباسیان، حکومت فاطمیان و بدون شک تمام شعر عرب برای من به عنوان نخستین منبع قرار دارد. بعد هم شعر جهان یا بهتر بگویم جهان اسلام. من فکر نمی کنم شعری وجود داشته باشد که در مرحله ای از زندگی ادبی خود تحت تأثیر «عمر خیام» قرار نگرفته باشد. من از «فردوسی» خواندم و از اقبال لاهوری و رابیندرانات تاگور و نیز بسیاری از شعری جهان اسلام. من از شعری جهان هم تأثیر گرفته ام کسانی مثل «بایرون» و «شلی» و «کیتس» و «رمبو». بعدها در انتخاب هایم و سواس بیشتری به خرج دادم و از شعر مبارز جهان تأثیر گرفتم از کسانی مانند لورکا، نرودا، مایاکوفسکی، الوار و ناظم حکمت.

من درباره دیگران نمی توانم اظهار نظر کنم، اما در مورد تجربه شخصی خود بگویم که هیچ ناقدی نمی تواند در تجربه شعری من جای پا و چهره شاعر دیگری را پیدا کند. می توان خطوطی از یک گرایش یا روندی شعری در شعر من یافت، اما هیچ شاعر معینی نتوانسته است روی شعر من تأثیر مشخصی بگذارد. به طور کلی، تصوف در شعر من چهره دارد، اما خطوط مشخص یک صوفی یا یک فیلسوف معین بر من اثر نگذاشته است. من تلاش کرده ام که از تصوف به مفهوم دینی آن بهره بجویم. سعی کرده ام به تصوف مفهومی در زندگی بدهم و آن را به یک موجودیت و آرمان و ستیز مبدل کنم. یعنی به مفهومی مبدل کنم که در آن هم «خدا» و هم «میهن» جلوه کنند. این جلوه، پیچیده است و با هم پیوند دارد و ارزش دینی در یک آن هم بعدی آسمانی و هم زمینی دارد. این یکی از ویژگی های شعر فلسطین و شاید هم به طور کلی در تجربه شخصی من باشد.



مجترب از همه!
نمایندگان محترم مجلس طبق وظیفه قانونی خود، یکی از وزیران دولت یازدهم را استیضاح کردند. ما به دلیل جایگاه والایی که

در نگارش این ستون داریم، وارد خوب یا بد ماجرا و جزئیات موضوع نمی شویم؛ لذا می پردازیم به امور مهم و از رئیس جمهوری محترم، وزیر استیضاح شده و نیز برخی اعظام مجلس تشکر می کنیم که با تدبیر و درایتی که داشته و دارند و خواهند داشت، با این موضوع خیلی محترمانه و مدبرانه رفتار کردند و اجازه سوء استفاده را به استکبار جهانی ندادند.

سنگ روی یخ

صبح یکی از روزهای پایانی ماه گذشته از خیابانی می گذشتیم که دیدیم جوانکی بد لباس، خیلی راحت و آسوده، تکه ای سیم مفتولی را داخل صندوق صدقات کمیته امداد کرد و شکارش را صید فرمود! رفتیم کنارش و پرسیدیم چرا آن عمل زشت را مرتکب شده است؟

طرف، درحالی که هنوز سیم مفتولی و اسکناس را به دست داشت، همه چیز را منکر شد و ما هم که از تعجب در حال شاخ در آوردن بودیم، حس شاعرانه مان گل کرد و تک بیت معروفی را در وصف کار زشت و دروغ زشت تر او با خودمان زمزمه کردیم. جناب دزد، بسی تفاوت به آن همه حس ما، خیلی صریح گفت: عینک بزن چشمات درست ببین که مردم رو دزد نبینی!

راستش ما که ترسیده بودیم، پریدیم روی موتور و گازش را گرفتیم. ان شاء الله برادران بزرگوار کمیته امداد کاری کنند که ما منبع این طوری سنگ روی یخ نشویم.

آتش پاریسی را از دست ندهید

داغ داغ است این «آتش پاریسی» که «درنگی در روزگار، زندگی و اندیشه سعدی» است؛ کتابی دو جلدی به قلم اندیشمندانه حمید یزدان پرست. سی و پنج هزار تومان قیمت و ۱۵۴۰ صفحه دارد. اگر خواستید بخرید زنگ بزنید به شماره ۲۹۹۹۳۲۴۲ و شماره را هم لطفاً جایی بنویسید که ماهی مجبور نباشیم هر هفته آن را بنویسیم. تازه، اگر بدانید ما هر روز با نویسنده این کتاب ناهار می خوریم، همین الان خواندن این یادداشت های بسیار ارزنده را رها می کنید و زنگ می زنید برای خرید کتاب.

حالا که فهمیدیم ما کم الکی نیستیم، این را هم بگوئیم که ما سال ۱۳۸۱ در نهمین جشنواره مطبوعات، قلم بلورین، لوح تقدیر و جایزه سفر حج عمره را کسب کرده ایم (خوب دقت کنید که فرمودیم سال ۱۳۸۱). اینها را نوشتیم برای آن عزیز دلی که پیغام داده بود: «این یارو انبارداران که این چرندیات را می نویسه، از کدام لب لب بیرون آمده؟!...»

شعر ما و جناب عطاران

دوستی عزیز زنگ زده بود و می گفت کمی نمک هم بریز نوی این نوشته ها. لذا ما تازه ترین سروده مان را که شبه طنز است در وصف برادر عطاران تقدیم می کنیم که فیلمش بالای دو میلیارد تومان پول جارو کرد: این «فرش قرمز» است مرا ناز کرده است / رویای پول را به سرم باز کرده است / از گیشه سرخوشم، و چه قیقاچ می روم / غوغای «کن» چو مرغ مرا غاز کرده است.

و شعرهایی که بوی نیمرو می دهند!

شوند و به موقع استعدادهایشان کشف و شکوفا گردد، سرمایه بزرگ فرهنگی محسوب می شوند. در غیر این صورت در گمنامی پژمرده خواهند شد. فلسفه وجودی کانون‌های ادبی دولتی در شهرستان‌ها کشف همین بهروز هاست.

خدا رفتگان علی بهرامی‌ها را بیامرزد که بانی خیر شده‌اند و نوجوان شاعری را تا مرز چاپ کتاب راهنمایی کرده‌اند. امید است این ارشاد سال‌ها ادامه یابد و در برابر آن ارشاد ثابت کند که وجود یک نفر مربی و



راهنمای دلسوز از چندین اداره و نهاد دولتی کاراتر و مؤثر است و انصاف این است که ادارات ارشاد اگر به علت نبود بودجه قادر به جذب بهروزها نیستند، لااقل از علی بهرامی‌ها حمایت کنند تا روز به روز بر شوکت شعر جوان بیفزایند.

و اما برویم سراغ شعر این شاعر نوجوان:
* در این اتاق/ قاب‌هایی هست/ که هر کدامشان/ حرف می‌زنند/ ژپتو پینوکیو را خرد می‌کند/ برای

جوان‌ترین شاعر نقدینه ما متولد ۱۳۷۵ است. به نوشته علی بهرامی کهپیش که استاد راهنمای شاعر است و مقدمه نسبتاً جامعی برای این شاعر نوشته، بهروز موری شاعر نوجوان یک تکه شور و شیدایی است. یک پارچه آتش. از کارگاههای ادبی مدرسه و کانون پرورش فکری گرفته تا انجمن‌های ادبی ارشاد و همایش‌های ادبی داستان شرکت داشته و از این محافل تجربیات شایانی اندوخته است.

«مجموعه شعر سپید پینوکیو برای زمستان در راه، بی‌شک قصد خودنمایی ندارد که یقیناً تنها ادعایش این است که از ضمیر پاک و بی‌آلایش شاعری تراوش کرده که قصد دارد این مسیر پرخطر را با همه مصائب و رنج‌هایش تا رسیدن به سر منزل مقصود ادامه بدهد. مسیری که باید در پیش پای بهروز موری هموار شود.»
**

شعر خوب، سن و سال نمی‌شناسد. اغلب شعرای نامدار، آثار برتر خود را در عنفوان شباب نوشته‌اند. در روزگاری که سرشار از شعر و شور و شر بوده‌اند.

لذا من از روی شعر قضاوت می‌کنم، نه از روی شاعر. سن و سال شاعر در کسب تجربه و رشد فکری، حرف اول را می‌زند همواره. حالا حرف دلم این است که ای کاش شور و شیدایی دوران جوانی با تجربه دوران پیری همراه بود تا شاعران، شعر برتر خود را به ثبت می‌رسانند. روزی که شور و شوق هست، از تجربه خبری نیست و روزگاری که تجربه هست از شور سرودن خبری نیست.

بهروز موری‌ها در هر رشته‌ای وجود دارد. موجودات شگفت و شگرفی که اگر شناسایی

واکوی ترانه‌های قدیمی - بخش اول

سیمین بری... گل‌پیکری... آری

هم جان و هم جانانه‌ای اما
در دلبری افسانه‌ای اما،
اما ز من بیگانه‌ای اما
آزردام خواهی چرا، تو ای نوگل زیبا
افسردام، خواهی چرا، تو ای آفت دلها
عاشق کشی، شوخی فسونکاری
شیرین لبی، اما دل آزاری
با ما سر جور و جفا داری
می‌سوزم از هجران تو، نترسی ز آه من
دست من و دامان تو، چه باشد گناه من
دارم ز تو نامهربان
شوقی به دل، شوری به جان
می‌سوزم از سوز نهان
ز جانم چه می‌خواهی؟
نگاهی به من گاهی

بند سوم

یارب برس امشب به فریادم
بستان از آن نامهربان دادم
بیداد او برکنده بنیادم
گر ماه من از آسمان، دمی چهره بگشاید
تا شاهد امید من ز رخ پرده بگشاید
همان‌طور که مشاهده می‌فرمایید، این ترانه در ۳ بند ساخته شده است، اما ملودی آن در هر سه بند تکرار می‌شود.

سازنده اصلی آهنگ و خواننده آن جمشید شبیانی است که ۹۲ سال پیش در تهران به دنیا آمد و ۱۲ تیرماه سال ۱۳۸۸ در لس‌آنجلس درگذشت و ترانه آن توسط دکتر ابراهیم صفایی شاعر و مورخ معاصر ساخته شده است.

قصدم این بود از این شماره به بعد درباره ترانه‌ای دیگر با شما حرف بزنم، اما اجرای دسته‌جمعی ترانه «سیمین بری، گل‌پیکری» توسط



جمشید شبیانی

گروهی از دوستداران مرحوم سیمین بهبهانی، بانوی غزل ایران در گوشه‌ای از اجتماع تشییع کنندگان پیکر آن مرحوم در جلوی تالار وحدت تهران، مرا به

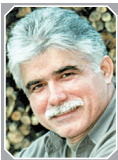
این صرافت انداخت که هم به این بهانه از سیمین بهبهانی یادی کنم و هم علاقه‌مندان به این بانوی بزرگوار و دوستداران ترانه «سیمین بری» را با این ترانه، خواننده و آهنگساز و ترانه‌سرایش آشنا کنم.

اما پیش از هر چیز شما متن این ترانه (سیمین بری) را به نقل از دستخط دکتر ابراهیم صفایی ترانه‌سرای این اثر که در آرشیو ترانه‌های قدیمی وزارت فرهنگ و هنر سابق موجود است، بخوانید:

بند اول

سیمین بری، گل‌پیکری آری
از ماه و گل زیباتری آری
همچون پری افسونگری آری
دیوانه رویت منم، چه خواهی دگر از من
سرگشته کویت منم، نداری خبری از من
هر شب که مه در آسمان
گردد عیان دامن کشان
گویم به او راز نهان
که با من چه‌ها کردی!
به جانم جفا کردی

بند دوم (با همان ملودی بند اول)



اکبر اکسیر

زمستانی که در راه است.
* تانک می‌زند/ همه چیز می‌افتد/ سربازان یک قل دو قل بازی می‌کنند/ با چشمان کودکانی که/ حسرت هفت سنگ را داشتند.
* جنگ آنقدر هم گرم نبود/ و الا شنب‌ها/ زیر پتو پنهان نمی‌شدیم!
**

بهروز ناموری در نوجوانی، پیرانه سر عمل کرده است. او باید مراقب باشد تا کودک درون، زودتر از او پیر نشود.
آن دقت مصیبتی است فیلسوفی برشانه‌های کودکی پاندول شود و شاعر خوش قریحه ما به جوانی نرسیده، پیر هرات گونه حرف‌های گنده گنده بزند.

بهروز موری باید به شعر نوجوان و جوان با تمام سادگی‌ها و صمیمیتش مشغول شود، از دغدغه‌های درونی همسن‌های خود حرف بزند، دنیای خود را تکثیر کند و در غیر این صورت به تقلید و تکرار می‌افتد و به شعر مصنوعی دامن می‌زند:

* من از حسادت می‌ترکم/ تو از آغوش داغ!
* دلم را پیش تو پهن می‌کنم/ بی‌آنکه دانسته باشم/ تو فقط تاجر فرشی!
* در سکوت شب نشسته‌ام/ و قطاری جیغ می‌کشد.

* دیوارها چه بی صدا ریخته‌اند/ کفش‌هایم زیر در مانده/ پای برهنه دنبال سمعکم می‌گردم!
برای بهروز موری عزیز که از نوادگان با ذوق شعر امروز است، یک جعبه شکلات آرزو مندم که کام ما را شیرین کرد: کنج اتاق قفسی است/ که بوی نیمرو می‌دهد. آفرین بر علی بهرامی کهپیش! که بوی معلم می‌دهد!



حسین فرازاد

ترانه‌ای که در دستگاه اصفهان ساخته شده است و با نواخته شدن نخستین آکوردهایش، ملودی اصلی آن (که همان اورتوران نیز هست) آغاز می‌شود و مخاطب را با همان ضربات نخستین آکورد و کشیده شدن آرشه ویلن به درون خود می‌کشد.

جمشید شبیانی اگرچه با این یک اثر در حوزه موسیقی شهرت عام پیدا کرد، اما مورخان موسیقی معاصر او را به عنوان یکی از بنیان‌گذاران موسیقی پاپ در ایران می‌شناسند، او کسی بود که در اوایل دهه ۲۰ ترانه‌ای به نام «بی‌تو»، را با بافت و فضای ترانه‌های غربی آن روزگار ساخت و روانه بازار کرد که سخت مورد انتقاد دست‌اندرکاران موسیقی سنتی ایران در آن روزگار قرار گرفت؛ به طوری که استاد غلامحسین بنان در شکوه‌نامه‌ای به مسئولان وقت رادیو ایران، آنها را تهدید کرد که اگر قرار باشد چنین ترانه‌های مبتدلی از این رادیو پخش شود، او به همکاری‌اش با رادیو ایران خاتمه خواهد داد.

در آن روزگار، فعالیت چهره‌های انگشت‌شماری خواننده و موسیقیدان، عرصه موسیقی را به دو حوزه اصلی تقسیم کرده بود؛ یک حوزه آن که از بدنه موسیقی سنتی به همراه موسیقی عامیانه شهری یا همان کوچه و بازاری منشعب شده بود و افرادی چون سیدجواد بدیع‌زاده و اسماعیل مهرتاش از نمایندگان آن بودند و حوزه دوم، غالباً آثاری را با سبک و سیاق موسیقی اروپا می‌ساخت و عرصه می‌کرد که توسط افرادی چون مجید محسنی، حمید قنبری (پدر شهیار قنبری) و جمشید شبیانی رهبری می‌شدند...

ادامه دارد

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»



گلشن راز

«گفتگو از: کریم فیضی»

ادراک

* در واقع، نور سیاه ذات، چشم راز کار می‌اندازد. پس باید چشم را کنار گذاشت و به قول مرحوم علامه طباطبائی: برای رؤیت خورشید حقیقت عالم، ظلمتی در عالم وجود ندارد، بلکه اشکال از ناحیه ماست. او سبحانه را باید عقل چون دید ظاهر ببینیم در حالی که دید عقل و چشم ظاهر جز ظلمت نمی‌بیند و در مقام رؤیت نور ذات، قوای آن دوا از کار می‌افتد.

اشاره کردید که در روایات اهل بیت آمده است: لا تفکروا فی ذات الله. این حدیث، درست معنی نشده است. تفسیر من از این روایت این نیست که فکر نباید کرد. مگر می‌توان فکر نکرد؟ مگر می‌توان به فکر دستور داد که نیندیشد؟ پس سخن معصوم این است که فکر نکنید به چیزی که قابل فکر کردن نیست. اگر هم فکر بکنید، فایده‌ای ندارد و بی سود است.

* در واقع، این فکر، فکر نیست:

چه نسبت خاک را با عالم پاک؟

که ادراک است عجز از درک ادراک
این التراب و رب الارباب، حدیثی است که به حضرت رسول اکرم (ص) نسبت می‌دهند. میان خاک و خدا چه ارتباطی وجود دارد؟ خاک چگونه می‌تواند به خالق خاک راه پیدا کند، اما حرف بعدی شبستری چنان عمیق است که اگر بگویم تمام فلسفه سقراط در همین نیم بیت گنجانده شده است، از من بپذیرید. می‌گوید: ادراک شما موقعی است که عجز از ادراک را درک کنید!

* به عبارت دیگر: شما وقتی به مقام ادراک می‌رسید که بدانید نمی‌توانید ادراک داشته باشید. عطار نیشابوری در «منطق الطیر» می‌گوید:

وصف او چون کار جان پاک نیست

عقل را سرمایه ادراک نیست

لا جرم هم عقل و هم جان خیره ماند

در صفاتش با دو چشم تیره ماند

این حرف به نظر شما عجیب نیست؟

ادراک این است که درک کنیم که درک نمی‌کنیم. وقتی درک کردیم که نمی‌توانیم ادراک کنیم، به ادراک رسیده‌ایم و این همان معنایی است که من برای حدیث شریف «لا تفکروا فی ذات الله» در نظر می‌گیرم.

این حدیث به ما نمی‌گوید: فکر نکنید در ذات الهی، می‌گوید: نمی‌توانید به ذات الهی فکر کنید پس درک کنید که نمی‌توانید و این مهمترین درک است. این جهل بسیط نیست.

* شبستری انسان را به حسب ممکن الوجود بودن، سیه روی هر دو عالم معرفی می‌کند که به نظر می‌رسد مراد از «سیه‌رو» در این مقام، ضعف و حقارت باشد:

سیه‌روی ز ممکن در دو عالم

جدا هرگز نشد، والله اعلم

این حرف درست است که ما ممکن الوجود هستیم و سیاه‌رو. عالم ممکن است و اساساً عالم ممکنات است. ممکن سیاه‌روست، چون هم می‌تواند باشد، هم می‌تواند نباشد. امکان شدن و نشدن از ممکن قابل جدا شدن نیست و اصلاً ذات امکان یعنی همین شدن و نشدن. این نوعی سیاه‌روی است که تا ابد با موجودات امکانی هست.

ادامه دارد

بررسی مکاتب موسیقی کلاسیک دنیا - بخش چهارم

تقسیم‌بندی دوره‌ها در موسیقی کلاسیک

بومیان قاره آمریکا در پرو، مکزیک و کانادا، هویت موسیقایی برآمده از اسطوره و دین داشته‌اند.

باری، موسیقی در معابد بین‌النهرین، همچون دیگر نقاط موعرض، در فلسطین، فلات ایران و شام، با تقدم یا تأخر، موسیقی تماماً متکی بر اوراد و نیایش است به بیان اخص، نغمه‌های «مزمو» که از آن به آوایا سرود مذهبی، یاد می‌شود.

مراسم مذهبی در مزامیر سامیان بین‌النهرین، عمدتاً سرودهای تک آوایی است، اکثرآ صورت ندبه و به قصد نمایش احترام به خدایگان است. طی سده‌های منتهی به هزاره دوم پیش از میلاد، موسیقی شرق گیتی، بویژه عراق (بین‌النهرین) دچار تغییر و استحاله می‌شد. بویژه آنکه مذهب رکن مهم حیات و مرگ افراد را شکل می‌داد. اما مهمترین خلأقیّت، در عصر کهن در بین‌النهرین و خاورمیانه وقوع می‌یابد؛ «روش سوال و جواب در آوازهای کاهنان» الگوئی که طی بیش از ۴ هزار سال علی‌رغم تغییرات ساختاری و شکل اساسی هنوز هم، مانند قرون وسطی، عصر باروک و کلاسیسم، حضور قطعی بویژه در کراال‌های مذهب‌محورانه و نیایشهای انجیلی دارد.

روش نغمات سوال و جواب گونه بین ساکنان عمدتاً ساسمی بین‌النهرین ابداع شد. نغمات مذهبی و به شکل قطعات آوازی نه چندان طولانی که ارسما (Eresemma) نام داشت، توسط کاهنان بدین شکل اجرا می‌شد که کاهنان در تعداد یک یا دو گروه ۲ تا ۵ نفری، بخش آریا گونه‌ای را با ملاحظت و عمدتاً ندبه گونه می‌خواندند که «phon» نیز می‌تواند باشد. و گروه بزرگتر همسرایان پاسخ دسته جمعی (Antiphon) را می‌سروند.

گاه پس از نغمات کاهنان، گروه همسرایان پس از سکوتی چند لحظه‌ای، نغمه جواب گونه را ادای می‌کردند. نکته مهم، استیلای معنایی فرمی آنچنان خلاّقانه و در عین حال ساده است که در همه تاریخ، داوم و استمرار می‌یابد.

اما در وجهه‌های دیگر، همت عالی هنرمندان خساری جهان باستانی، باز هم بقا یافت. در میان گروه‌های شش گانه سازهای ارکستر سمفونیک، بحق بسیار از این سازها تا تماماً و یا عمدتاً و یا بعضاً و امداد سازهای جهان کهن مشرقیان اند.

۱- سازهای زهی (همچون ویلن، ویلن آلتروستلو) ۲- سازهای بادی چوبی (مانند فلوت کلارینت، ابوا...) ۳- سازهای بادی مسی (برنجی) (مانند ترومپت، ترومبون، شیپور فرانسوی و...) ۴- سازهای مضرابی (مانند هارپ و...) ۵- سازهای کوبشی (طل، ناقوس و...) ۶- سازهای کلیددار (کالایه‌ای) (مانند پیانو و هارپسیکورد) هر چند تقسیم‌بندی دیگری مربوط به فرنیته نیز وجود دارد که سازها را به چهار دسته اصلی تقسیم می‌کند و توسط اریک هورن باسیل و کورت ساک، مطرح شده و با بعدتر آنرا نیز بعرض خواهیم رساند. غرض آن است که به این نوع موضوع اشاره کنیم که در حقیقت بخش مهمی از سازهای امروزی ارکستر را می‌توان در سازهای شرق بویژه خاورمیانه باستان متجلی دید. سازهای کوبه‌ای طبل، به نامهای طبل میان باریک (بلغ) و طبل پایه دار «لی لیس» و سازسنج و ساز مضرابی هارپ که دو نوع چنگ را حداقل می‌توان در بین‌النهرین مشاهده نمود که نامهای (زاگزال) و دزاگال داشته‌اند و نوع نقره‌ای و چوبی آن به دست آمده و بیش از ۳ نوع فلوت و نی نیز شناسائی شده است.

کار نغمه خوانی نیز بر عهده افراد خاصی (در سومر) بوده است به نام گالاه و (اکد) (شمال) که سامیان بوده‌اند، نام کالوا بر آنان نهاده شده بود. هر آوازه (میان سامیان) کوک خاصی داشته و در مزامیر یهود به آن اشاره شده است. حتی آواز معروف انگلیسی که تاکنون حفظ شده است؛ یعنی آواز «تو مرا بر زمین نخوای زدن...» کاملاً متأثر از مزامیر یهودیان بین‌النهرین است. حتی اصول آوازهای کرال در حال راه‌پیمایی و باحالت ایستادن «آنسابل» تفاوت داشته و می‌بایست لحاظ می‌شده. اینها مبین میزان عظمت ژرفا و پیشرفت های حیرت انگیز موسیقی در بیش از ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است!

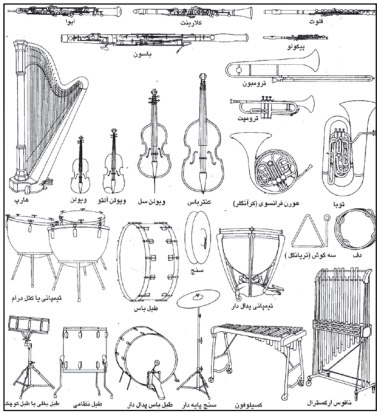
بر شماری شاخص‌های هر مکتب و دورانی و تأملاتی درخصوص ادوار تاریخی جهان موسیقی است. بدین ترتیب نقطه عزیمت ما به شرح ذیل از این تقسیم‌بندی ناشی می‌شود:

۱- عصر موسیقی باستانی (دوران کهن و موسیقی‌های سه‌گانه یونانی رومی یا باختری - موسیقی مشرق زمین و موسیقی برخاسته از یهودیت)

۲- موسیقی پس از ظهور مسیحیت و آغاز قرون وسطی (یا قرون میانه متقدم)

۳- موسیقی قرون وسطی (یا قرون میانه متأخر)

۴- موسیقی عصر رنسانس و اوج یابی در عصر باروک



۵- موسیقی عصر کلاسیسم

۶- موسیقی عصر رومانیتسم

۷- موسیقی پس از عصر رومانیتسم، یعنی موسیقی کلاسیک بسیار متنوع یک و نیم قرن اخیر به تعبیر دیگر، موسیقی کلاسیک مدرن یا عصر کلاسیسم معاصر این هفت دوران که در حقیقت مدخل ورود ما به موسیقی هر دوران خاص اند، سرفصلی برای کاوش ما خواهند بود و ویژگی‌های مفهومی تکنیکال و جایگاه و تغییرات موسیقی در هر عصری را با همان سرفصل تبیین خواهیم کرد.

موسیقی در دوران باستان

بین‌النهرین، جغرافیایی است که همچون همه عرصه‌های مذهب، تمدن، امپراطوری‌ها، و تاریخ علوم و مدنیت، همواره نامی است در ابتدا. در گستره موسیقی نیز چنین است. بین‌النهرین که تقریباً «عراق» کنونی است؛ حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد تمدنی است که دارای ثبات و نفوس قابل توجه، ارضی که محل استقرار اقوام کهن سامی در ابتدا و بخش شمالی و سپس سومریان در جنوب آن بوده، قطع نظر از تاریخ کلی بین‌النهرین، جهان مورد نظر ما، یعنی هنر موسیقی میعادگاه، تفکرات متافیزیکی ساکنان آن سرزمین با رویکرد کاملاً جانمند انکارانه (Animist) به جهان هستی و پدیدارهاست. تفکری که در آن همه جهان، زنده و حیاتمند است، منجر به زایش هنر موسیقی با هویتی ویژه شد. تفکر جانمند انکار، در سرزمینی حاصلخیز و مردمان غالباً کشاورز و بعضاً شبان. رامن (Raman) خدای صاعقه و (Ea) خدای اعماقی است که قطعاً توان آن دارند که برای بشر ۶ هزار سال قبل، مصیبت‌های عظیم به بار آورند. اما جالب توجه رویکرد هنر باستانی در منظر آن آدمیان است. این توان حیرت‌انگیز برای «موسیقی» که بتوسط نغمات، خدایگان مذکور، آرام گشته و باسامان شوند. نوعی نی دارای زبانه یا قمیش به نام، هالهله (Halalu) که آن را بسان نفس رامن دانسته و یا طبل ویژه‌ای بنام بلغ که صوت خدای (Ea) است و با انجام مناسک خاص «موسیقائی» در معبد و یا بر حاشیه رود، از مصیبت‌های عظیم جلوگیری می‌شد.

موسیقی‌های عصر باستان به طرز قریبی، پیوند می‌یابند با اسطوره و ایمان، هر چند اقسام ایمان و اشکال اسطوره از حد تصور و توان شمارش فزون است، اما رنگ و هویت موسیقی، را اسطوره و دین، شکل و جهت بخشیده‌اند. واقعیتی که از شرق عالم تا شمال آفریقا و حتی

بخش آغازین: عصر باستان

آنچه تاکنون به دانش‌دوستان و پژوهنده‌گان گرامی عرضه شد، تصویری کلی و به اختصار از نوع خاصی از موسیقی، یعنی نوع کلاسیک آن است. هر چند که سپهر موسیقی کلاسیک آنچنان عظمت دارد که براستی آنچه تاکنون عرضه شد، بحق، تنها دیباچه‌ای است بر آسمان پر عظمت موسیقی کلاسیک.

پیش درآمد؛ راهی سخت، و منوط به دانش

هنگامی که در اواخر قرن ۱۹ میلادی و آغاز قرن بیستم، گنجینه‌های مصر باستان یکی پس از هم، و بویژه توسط پروفیسور کارتر استخراج می‌شد، هنرهای تجسمی، طب، دیانت، کاست‌های اجتماعی و نظامات قدرت و دانش مومیائی و ریاضیات و حتی نهانی‌ترین مناسبات جنسی میان محارم در خاندان سلطنتی، در کنار هزاران واقعیت کوچک و حقایق بزرگ، برای انسان امروز روشن می‌شد و به موازات برآمدن نامهایی چون خوفو، رامسس، توت عنخ آمون، و کلتو پاترا صددها دانش روزافزون در این پهنه محقق می‌شد. اما چرا؟ غرض از طرح این مثال و پرسش، نه باستان‌شناسی و نه جغرافیایی خاص است. این چرائی از این حیث اهمیت دارد که چرا واقعیاتی خاص سبب رهیابی به واقعیات و حقایق کهن می‌گردد؟

به همین دلیل ساده اما روشن که عرصه تجسم و وجود داشتن ملموس و عینی، همچون گستره هنرهای تجسمی، صنعت و شاخه‌های آن، تا چه حد می‌تواند همچون نور و وضوح بخشی، اعصار کهن و حتی پیش از تمدن را برای انسان معاصر، ترسیم سازد؛ همان عینیتی که در پیکره‌های ساخته میکال انژ و رودن و نقاشی‌های هانس هولباین، پیتر بروگل، تیسین و داوینچی در عصر رنسانس و معماری‌های ایران عصر هخامنشی و ساسانی و مصر و روم دوران هلنیستی، کاملاً می‌تواند پس از سده‌ها و حتی هزاره‌ها، به وضوح از هنر آن عصر سخن گوید و رمزگشای معماهای مطرحه شود. آنچه گفته شد بخشی از سختی‌ها، محدودیت‌ها و پیچیدگی‌های ساختنی است که در آن هدف، شناخت موسیقی آنهم در بیش از یک هزار سال قبل و حتی قرن‌ها پیش از میلاد مسیح، باشد. موسیقی در جهان کهن و باستانی ادیان، حاکمیت‌ها و اساطیر و عواطف بشر دوران کهن و حیاتی بسیار متفاوت با زندگی فردی و جمعی کنونی، که بی‌تردید عدم حصول پدیدارهای عینی کار را باز هم



▲ یک دسته موزیک نظامی آشور متشکل از زیرت، سنج، و سنتور است که با آهنگی رزمی و برخوردار از ریتم، سربازان راه‌رامی می‌کند. متعلق به قرن هفتم قبل از میلاد، نقش برجسته.

مشکل‌تر خواهد ساخت، اما موسیقی کلاسیک آنقدر جذبه خواهد داشت که هدف پژوهش در ادوار کهن و قرون وسطی را با همه موانع، به شوق این جهان پررزم و اعجاز فراهم نماید.

جهان موسیقی کلاسیک، تقسیم‌بندی دوران‌ها

تقسیم یا تفکیک دوران‌ها با هر قصد و با محوریت هر مفهومی، قاعداً موضوعی نسبی است و می‌تواند به دلایلی متفاوت و گاه متضاد باشد. همان گونه که گروهی موسیقی را به پیش از ظهور مسیحیت و سپس دوران مسیحیت و سپس عصر اومانیسیم، منقسم می‌کنند و عده‌ای حتی دوران قرون وسطی را به ۴-دوره محدودتر و برخی عصر باروک را بخشی از نهضت رنسانس برمی‌شمارند. پس اینکه هر انقسامی چه ادله‌ای را داراست، چندان مهم نیست بلکه هدف ما



۴ هوشنگ فرحانی

ترکیبات غزلی یدل ۱۳

یا سفر به عالم دیگر، از درون آینه، در راستای پیروزی عشق بر مرگ، در روایت سینمایی ژان کوکتو از اسطوره اوره^(۳۳) همگی برای نشان دادن میزان حیرت زدگی مخاطب و التذاذ روحی او، هنری هستند. اما اهمیت بیدل در قرار دادن آینه در برابر مخاطب و خواننده شعرش، فقط ایجاد حیرت نیست. او قلندری است که از نور می‌گوید و از غبار روی آینه گله می‌کند.

او نارسینزیم و خودشیفتگی، به خاطر آینه شدن آب را می‌داند و هشدار می‌دهد که در خورشید، سرچشمه نور حیرت زده و خیره نشویم و به آلاء خداوند بپردازیم و اگر نور خدا را در آینه خود دیدیم، تعجب و سرگشتگی را مغنم بدانیم و همچون نارسینسم، با دیدن آفرینش تحسین برانگیز خود، تسلیم جنون الهی شویم.

وضع تسلیم جنون، عاقبت آباد دل است

این گهر را صدف از چاک گریبان کردند^(۳۴) به گمان حقیر، ترکیب اضافه مغلوب «آب آینه»، «منطبق بر صفت آبنگی آب جاری رودخانه است که نارسینس، خود را در آن نگرست و بنابر اسطوره مذکور، مجنون شد. چرا که مثلاً در بیت زیر:

طلسم حیرتم و یک نفس قرارم نیست

به آب آینه دل سرشته‌اند مرا «یک نفس قرار نداشتن» قرینه صارفه آب است و صفت آب رودخانه و جویبار زلال است و نیز بیت زیبای صاحب ایماژ:

نه طرح باغ و نه گلشن فکنده‌اند اینجا

در آب آینه، روغن، فکنده‌اند اینجا

ادامه دارد

پی نوشت ها:

(۳۳) حبیب کشاورز، در مقاله کاربرد اسطوره در شعر عربی، می‌گوید: «بسیاری از اساطیر غربی و عربی را نزد شاعر عراقی، عبدالوهاب بیاتی مشاهده می‌کنیم. در مطلع قصیده‌ای با عنوان (مرثیه‌ای عاشویه آمرتیه‌ای برای عاشیه) از دیوانش با عنوان (مرگ در زندگی)، چنین می‌گوید.

چوپان گوسفند در انتظار گوسفند، جالینوس وار می‌میرد اورفیوس قرص خورشید را می‌خورد عشقش بر فرات می‌گرید شاعر به اورفیوس یا اوره آوازخوان اسطوره‌ای یونان قدیم، اشاره می‌کند که به زیر زمین سقوط کرده است و در عالم ارواح، خواهان همسرش است.

داستان این چنین است که، ماری شب زفاف، همسرش را گزید. همسر در اثر این نیش می‌میرد و به جهان مردگان زیر زمین انتقال می‌یابد. اما همسر آوازخوانش، اورفیوس از خدای وارگان می‌خواهد که همسرش را برگرداند. کار بدین صورت پیش می‌رود که همسرش برگردد به شرط آنکه در بازگشت با همسرش به سطح زمین به پشت سر خود نگاه نکنند. در آخرین گام بازگشتشان، اورفیوس به پشت سر خود نگاه می‌کند تا از وجود همسرش مطمئن شود، با این کار، همسرش بار دیگر می‌میرد و به جهان مردگان برمی‌گردد. اورفیوس تنها می‌ماند تا اینکه از شدت غم و اندوه می‌میرد و ابزار موسیقی‌اش به آسمان بالا می‌رود. اسطوره نارسینس (در فارسی نرجس یا نرگس) یک فرشته است. مادرش ملکه است و پدرش خدای واره‌ای از خدای وارگان آسمان است. که بی‌نهایت زیباروی است. تا اینکه روزی چهره‌اش را در آب می‌بیند و عاشق خویش می‌شود و در این عشق هلاک می‌شود. و در مکان هلاک او گل‌های زیبای نرگس می‌رویند. نارسینس اسطوره‌ای است که علی‌احمد اسیر یا ادونیس شاعر لبنانی - سوری، آن را در شعر خویش به کار می‌گیرد.

من آینه شدم.

هر چیزی را منعکس نمودم.

در آتش تو فضای آب و گیاه را تغییر دادم.

من و آب دو عاشق شدیم، با نام آب متولد می‌شوم.

آب در من متولد می‌شود

من و آب دو قلو شدیم».

(۳۴) شاعر آینه‌ها ص ۱۷۶.

نگاهی به فیلم «امروز» رضامیرکریمی

به همین سادگی!

از سویه دراماتیک ماجرا و نقدهایی که می توان به آن داشت، صورت مساله نیست، حل مساله است.

گاهی قرار نیست در پس سکوت به دنبال چیزی باشیم. سکوت وسیله نیست، خودش هدف است. گاهی بسیاری از مشکلات و هیاهوها در سکوت حل می شود. گاهی درد در فقدان سکوت است، نه اینکه سکوت همیشه درد باشد. میر کریمی آگاهانه بر لزوم و ضرورت سکوت تأکید می کند. این سکوت نه به معنای انفعال بلکه یک نوع سکوت عارفانه و همان تقیه است که جهاد بانفس و تزکیه اخلاقی را در ذات خود می پروراند.

واقعیت این است که به تصویر کشیدن سکوت

بقیه از صفحه اول

امروز تلاش برای جایگزین کردن حوصله به جای گله است، پرهیز از قضاوت و پیش داوری، همدلی و دستگیری به جای مچ گیری و سنگدلی. ایثار بدون چشمداشت.

یونس علیرغم همه زخم زبان هایی که از دیگران می شنود، دم بر نمی آورد و تنها به وظیفه اخلاقی خویش می اندیشد. یونس راننده تاکسی است که با یک مسافر زن حامله و بدحال مواجه می شود. زن از او خواهش می کند تا او را به بیمارستان برساند. راننده تاکسی که دارای منش و اخلاق جوانمردی است، این مسافر عجیب و غریبه را به مقصد می رساند.

زن در ادامه باز از او خواهش می کند تا در پذیرش نیز همراهش باشد. مرد، زن را همراهی می کند و در نهایت در کنار او برای زایمان و



عمل می ماند. زن جوان در موقع سزارین از دنیا می رود. راننده تاکسی که فرزندی ندارد و سال ها در آرزوی آن بوده، نوزاد تازه متولد شده زن فوت کرده را از بخش مراقبت های ویژه می دزدد و با خود به خانه می برد. رفتارشناسی یونس، مصداق آن شعری است که می گوید: مرد با هر چه ستم هر چه بلا می ماند.

امروز فیلمی در ستایش سکوت است. اگر چه حجم بالای این سکوت گاه صدای مخاطب را در می آورد، اما می توان در برابر این سکوت، سکوت کرد و کمی آن را تحمل نمود. در خود هضم کرد و در پس آن تأمل کرد. سکوت در اینجا فارغ

و وجوه بصری بخشیدن به آن، امر دشواری است. مثل این می ماند که بخواهیم یک تجربه انتزاعی را روایت کنیم. به همین دلیل شاید سکوت یونس (پرویز پرستویی) در فیلم کمی طولانی و کسالت بار به نظر برسد. شاید اگر این سکوت در لایه های بیشتری از موقعیت های دراماتیک گنجانده می شد، کمی از ملال آن کاسته می شد و ریتم فیلم نیز شتاب بیشتری می گرفت. مثلاً سکوت طاهره در به همین سادگی وقتی با تحرک و پویایی بچه هایش در کنار هم قرار می گرفت، هم واجد بار معنایی بیشتری می شد و هم دامنه تأثیر گذاری این سکوت، امتداد بیشتری پیدا می کرد.

نهان راستی شد، گزند آشکارا

بی جهت نیست که فردوسی بر دیگر شاعران و گویندگان عصر خود پیشی می گیرد و شعرش ماندگار و جاودانه می گردد و حتی فراتر از زمان و مکان پر می کشد و ویژگی و گستردگی و مقبولیت عام می یابد و تقریباً به تمامی زبان های زنده دنیا ترجمه می شود، چون او غمخوار ایران و ایرانیان و سخنگوی دل های رنج دیده و سینه های سوخته و پشت های خمیده از ظلم ظالمان در مقاطع مختلف تاریخی است، چنان که شاهنامه و حکمت های حکیمانه فردوسی در گوشه گوشه جان و دل هر ایرانی جای می گیرد.



بقیه از صفحه اول
در زمان فردوسی، ظلم و ستم و خفقان، چندان بر همه چیز و همه جاسایه افکنده که حتی اجازه فکر کردن و اندیشیدن را به مردم نمی دهد و یا حیل های گوناگون، انسان ها را از نعمت و ناجی درونی عقل محروم می دارد. اینجاست که فردوسی برای نشان دادن چنین اوضاعی و بیدار ساختن مخاطبان خود، شاهنامه را با نام خدایی که آفریننده جان و خرد است، آغاز می کند:

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد
وقتی که فردوسی می بیند دشمنان آگاه و ناآگاه ملت ایران به این اندازه هم قانع نیستند و بسنده نمی کنند و هر کسی را که به تفکر و اندیشه بپردازد، می کشند؛ اوضاع زمانه را در قالب داستان ضحاک ماردوش بیان می کند که باید مغز سیال سر جوانان، خوراک مارهای دوش او شود تا او آرامش یابد و این سؤال مطرح می شود که چرا مغز سر جوانان و نه هیچ عضوی دیگر؟! این گزینش زیبای فردوسی است؛ زیرا این مغز، بلند جایگاه فکر و اندیشه جوانان است که خطر بالقوه برای ستمکاران و ضحاک صفنان تاریخ است و هیچ حکومت ظالم و ستمگری، راضی نیست که جوانان به تفکر و اندیشه واداشته شوند. چون با این محدودیت ها، حاشیه امنی برای ادامه ظلم و ستم خود ایجاد می کند.

چنان بد که هر شب دو مرد جوان
چه کهنتر چه از تخمه پهلوان
خورشگر ببردی به ایوان شاه
همی ساختی راه درمان شاه
یکشتی و مغزش بپرداختی
مران اژدها را خورش ساختی



سید رضا رهنما

با این حال چون خود سکوت در این قصه، اصل قرار می گیرد، سهم و حجم بیشتری پیدا کرده و پررنگ تر می شود. یکی از نکات برجسته ای که در فیلم امروز می توان سراغ گرفت، سبک و سطحی از بازیگری است که با سکوت همراه می شود. گاهی این تصور وجود دارد که بازیگری با دیالوگ گویی یا حرکات اکشن و... معنا پیدا می کند؛ اما هنر بازیگری آنجاست که بتوان سکوت را بازی کرد، سکوت را به نمایش گذاشت و به تصویر کشید و پرویز پرستویی بخشی از هنر بازیگری اش را در این سکوت نمایشی به نمایش می گذارد.

کاش تلخی و عبوسی کمتری در چهره او به چشم می خورد تا ارادی بودن این سکوت بیشتر جلوه کند. این سکوت لزوماً به معنای درونگرایی یونس از حیث روانشناختی نیست. این سکوت غیر اجتماعی یا حتی افسردگی شخصیت قصه نیست؛ یک نوع انتخاب آگاهانه است. لذا بازیگر آگاهانه باید نه فقط بر کلام و زبان خویش که بر کنش ها و ری اکشن های غیر کلامی خود نیز تسلط داشته و بازی کنترل شده ای از خود ارائه دهد. در واقع، فیلم امروز تصویری از بازیگری در سکوت را به نمایش می گذارد که برای علاقه مندان این حوزه، سویه آموزشی دارد.

امروز میر کریمی را از حیث مضمون و درونمایه اثر می توان با آثار اصغر فرهادی هم قیاس کرد؛ نه از حیث تکنیک و ساختار سینمایی، که از این منظر که همه این آثار حول محور قضاوت و پیش داوری شکل گرفته و هر کدام از زاویه دید خود به این مسئله پرداخته اند.

در آثار فرهادی، پیامدهای این قضاوت در کنش های جمعی و سرنوشت جمعی مورد بازخوانی قرار می گیرد و در امروز، پیامدهای فردی این موضوع روایت می شود. «امروز» روایتی مبتنی بر روانشناسی اجتماعی از جامعه معاصر است که شاید به عقیده برخی، ضد درام و فاقد قصه باشد؛ اما قصه امروز ماست. از این رو شاید گزافه نیست که آن را یک مستند داستانی بلند بدانیم که به جای زبان دراماتیک، از لحنی گزارش گونه برخوردار بوده و تصویری رئالیستی و واقع گرایانه از جامعه امروز ارائه می دهد.

امثال و حکم فارسی

آب ها از آسیاب افتاد!



محمدرضا شاهرابیژاد

در روزگاران گذشته، گندم را در آسیابی آرد می کردند که نیروی محرکه آن آب بود. آب عظیمی از نهر وارد آسیاب می شد و با چرخش چوب های دوار گردنده، سنگ روی آسیاب را به گردش درمی آورد تا گندم میان دو سنگ عظیم الجثه (فرسنگ های آسیاب) له و تبدیل به آرد شود.

مادامی که آب وارد آسیاب می شد، آسیاب کار می کرد و سروصدای بلند و گوشخراشی تولید می کرد که از کیلومترها شنیده می شد. اما به محض اینکه آب قطع می شد، آسیاب از کار می افتاد و سروصدای آن نیز قطع می گردید. در این وقت می گفتند که: آب ها از آسیاب افتاده است. یعنی دیگر خبری از سرو صدا نیست.

مصادق این مثل، غوغای ناشی از حادثه ای است که اجتماع را ملتهب می کند. با فروکش کردن ابعاد حادثه می گویند که آب ها از آسیاب افتاده است؛ یعنی اوضاع آرام و بهتر شده یا صبر کن تا آب ها از آسیاب بیفتند، یعنی التهاب جامعه کم یا محو شود.

مرحوم مهدی اخوان ثالث، شهره به م _ امید، در شعر معروف کاوه ای پیدا نخواهد شد امید، که بعد از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در زندان سروده، این مثل را چنین به کار برده است:

... آب ها از آسیاب افتاده است
دارا بر چیده، خون ها شسته اند...

آب که سر بالا برود، قورباغه ابو عطا می خواند!

مثل آب که سر بالا برود، قورباغه ابو عطا می خواند؛ از مثل های کهنسال فارسی است که هنوز در زبان مردم کوچه و بازار، جوان مانده و سرزنده است. مصداق های آن اموری است که از بی نظمی و هرج و مرج اجتماعی پدید می آید. علت پیدایی این مثل هم معلوم نیست، ولی مفهوم آن روشن است.

حال پرسش این است که قورباغه چه ربطی به ابو عطا دارد؟ قورباغه، موجودی است که در بر که ها و باتلاق ها و جویبارها و... زندگی می کند. وجه تسمیه آن شاید از آوازش گرفته شده باشد که دائم قور قور می کند؛ آنهم در باغ ها و مکان های آبدار و آب خیز!

خب، این زبان بسته که موسیقی نمی داند و از ردیف های آوازی سر در نمی آورد و تمام هنرش همان «قور قور» کردن است، پس یعنی چه؟... ابو عطا، یکی از دستگاه های موسیقی اصیل ایرانی است که تا اندازه ای پیچیده و دشوار است و آواز خواندن در این دستگاه، مختص انسانی است مستعد، خوش صدا و کار آزموده در حوزه موسیقی.

حال سؤال این است که آیا قورباغه می تواند در ابو عطا بخواند؟ آیا چنین حادثه ای ممکن است؟ بله، چنین اتفاقی ممکن است. چگونه؟ می دانیم که هستی بر اساس برهان نظم و قانون اداره می شود. اگر این نظم به هم بخورد و هرج و مرج پدیدار شود، طبیعی است که آب سر بالا برود و قورباغه ابو عطا بخواند. در بی نظمی، همه چیز ممکن است.

مصادق این مثل، هرج و مرجی است که در امر یا اموری رخ می دهد و هر غیرممکنی را ممکن می کند. مثلاً در هنر، عده کثیری شاعر، نقاش، موسیقی دان، خواننده، بازیگر و... پدید می آیند که هیچ بهره ای از هنر ندارند و تنها بر اثر بی نظمی و نبود قانون و... پدید آمده و می آیند.

خب، معلوم است که وقتی آب بتواند سر بالا برود، چرا قورباغه نتواند ابو عطا بخواند؟!...



نگاهی به مجموعه شعر «سپیده دمی که بوی لیمو می دهد» سروده حسن آذری

استعاره ها به دنیا می آیند و می میرند

شعر ۱ صفحه ۶:

«در من مردی هست / که کسی از او خبر ندارد / آپارتمانی هستم / که درش / نه با کلید ، نه / که با لگد همسایه ها باز خواهد شد»
یا شبیه شعر ۵۷ صفحه ۹۶:
«قاضی به خانه برگشت / در جیب کتش / خودکاری می گریست»

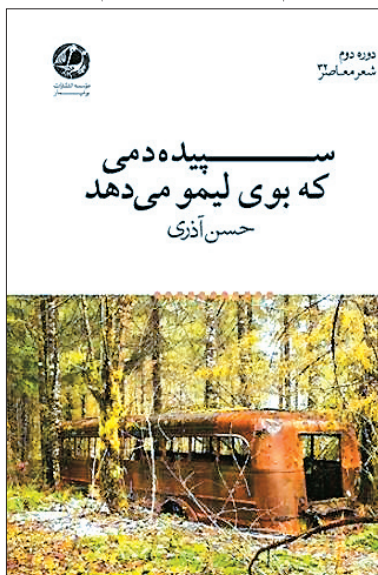
این روایت خطی یکی دیگر از مولفه ها یا نکات قابل توجه در شعر شاعر است که به وسیله یک روایت کاملاً مستقیم بیان می شود. نه تنها تضاد در نوشتن و گریستن خودکار بلکه این سوژه و جرقه های عینی آن شکلی کنایه ای به خود گرفته است، که این امر از عناصر لازم در شعر است.

یکی از نقاط ضعفی که می شود به آن اشاره مستقیم داشت، نبود شاعرانگی در بعضی از شعر هاست که شاعر برای بیان اندیشه یا مفهوم، زبانش را به زبان نثر نزدیک کرده است که خود این فرایند یعنی حرکت کردن بر لبه تیغ و شاید خیلی از شاعران امروز از این قضیه رنج می برند یا نه! بلکه یکی از مؤلفه های شعری خود بداندند. در این مجموعه، آنگونه که چند نمونه از شعر های آذری را ذکر کرده ام، جایی برای هنجار گریزی زبانی دیده نمی شود. چون که شعر ها به دنبال خلق ابر معنا - یا معنا سازی های شگرف نیست.

شاعر قالب نوشتاری را برای خود برگزیده است که تا حدودی ظرف و ظرفیت روانی او را مشخص می سازد. طبیعی است که هر شاعری بتواند ظرفیت های زبانی را کشف کند و به رابطه زبان آگاهی بیشتری پیدا کند و به سبکی متفاوت و متمایز از دیگران سخن بگوید. آذری نیز تا حدودی تلاش کرده است ولی این تلاش هنوز کافی نیست.

به این دلیل می گویم کافی نیست، چون زبان و شاعرانگی زبان ماهیت نوشونده دارد و هر روز جلوه تازه ای از زیبایی ها را ابداع می کند و قلمرو های ناشناخته ای در آن کشف می شود. حتی خود صناعات ادبی نظیر تشبیه، استعاره، تمثیل، و نماد، مرگ و حیات دارند - متولد می شوند - رشد می کنند و می میرند.

شاعری است که توانسته رابطه کاملاً معقولانه و درستی بین کارکرد زبان و بیان معنا ایجاد کند. همین کارکرد باعث شده تا مخاطب شعر او را شعری کاملاً صمیمی ببیند که از عمق ذهن شاعر نشأت گرفته است. شبیه شعر ۲۹:
«همسرم گفت/ تابلو دریا را/ بز نیم به اتاق/ حالا



هر صبح / جای پا پاک می کند از دیوار / ما مردان بسیاری را می شناسیم / که رد پای برگشتنشان را / هیچ کس ندیده است»
یا شعر ۲۰ صفحه ۳۷ کتاب:

«مثل هر صبح آبدارچی اداره / چهار لیوان پر می کند از چای / یکی را بر می گرداند به قوری / مرگ باید همین باشد / تا به غیابم عادت کنند / چند صبح / لیوانم پر و خالی خواهد شد»
آذری با پیشینه شعری خود که آغاز آن از دهه هفتاد به بعد شروع شد، توانست استقلال شعری خود را به اثبات برساند و نگاهی زیستی به اجتماع داشته باشد تا به طور کامل تری شعر را بازندگی روزمره در هم بیامیزد تا بتواند رویکردی تازه ارائه دهد. روایت او از زندگی، روایتی کاملاً آگاهانه از آنچه شنیده و آنچه دیده است. شبیه

شعر حسن آذری به خاطر برخورداری از اندام واره های روایی، سعی دارد تا نوعی زبان ساده و نوعی روایت تازه را به وسیله سوژه های معین یا نسبت های معنایی معین به مخاطب ارائه دهد. اهمیت این قضیه از آن جا ناشی می شود که شاعر می تواند به خاطر این نسبت های معنایی معین، مخاطب را با تجربیات زیستی و شعری خود همراه کند تا مخاطب بتواند همگونی ها و ناهمگونی های این مجموعه شعر را دریابد.

یکی از این شاعرانی که از این نسبت های معنایی چند وجهی بیشترین بهره را برد فروغ فرخزاد بود. فروغ به خاطر برخورداری از چنین وضعیتی به سمت تک گویی پیش نرفت و توجیه گر محدودیت یک ایده و اندیشه نشد. در شعر هایش، طبق گفته های رضا روشنی، این مسئله در ادبیات ما یک فصل تازه بود و فروغ بیش از همه در این مسیر پیش رفته است. حسن آذری شاید در بخشی از شعر هایش از تک گویی بیرونی و درونی استفاده می کند.

آن هم به خاطر اقتضای سوژه و اندام واره های روایی اش، ولی در شعر خیلی از شاعران معروف مثل (الف. بامداد)، (م. امید) و تا حدی نیما یوشیج این نسبت های معنایی مورد نظر وجود ندارد یا بسیار کم رنگ و ضعیف شده است. این مسئله باعث می شود که قرائت تک سویه ای از معنا صورت گیرد و خواسته یا ناخواسته یک پیش فرض درست فراروی مخاطب قرار گیرد.

در این مجموعه شعر که شامل ۶ دفتر می شود، زبان به خودی خود، زبانی ساده و با قراردادهای رایج است که وضعیتی کاملاً طبیعی را دنبال می کند و به دنبال بسترهای متفاوت زبان یا این که بخواهد قاعده ای تازه را بیفزاید نیست. شاعر به وسیله همین تجربه های زبانی، دست به ساخت تصویر های عینی می زند و تا حدودی سعی می کند جهانی بسازد موازی با جهان واقعی.

شاعر بیشتر به سمت عینیات و واقعیت های روزمره جامعه می رود. سعی می کند کلمات و عناصر موجود در شعر را به این سمت بکشاند تا با خلق فضا هایی از این دست، دریافت های زیباشناسانه را به مخاطب القا کند. حسن آذری،

شبیه باد



«صدیقه مرادزاده» از شاعران جوان ساکن تهران است که سپید می سراید. او تاکنون دو مجموعه شعر منتشر کرده و به زودی سومین مجموعه شعرش را با عنوان «مجموعه عاشق» روی پیشخوان کتاب فروشی ها قرار خواهد داد. مرادزاده از برگزیدگان ادوار جشنواره شعر فجر نیز هست. چند شعر از او را می خوانیم:

شعر (۱)

هفت سال عمری نیست
چشم به هم بگذاری
کودکت به مدرسه می رود
هفت ساعت زمان زیادی نیست
چشم باز کنی
باید به اداره برگردی
هفت دقیقه اما
وقت زیادی است
که تمام عمر منتظر بمانی
قطار ها به ایستگاه بر سند
کشتی ها لنگر بیاندازند
و هوایما
مسافران را پیاده کرده باشد
تو اما هفت دقیقه
تمام عمر پرسه بزنی...

شعر (۲)

انسان نخستین!
کدامین بغضت را پنهان کردی
که دانه دانه
خطوطی شدند
بر دیواره غار
ما از کوه
دوریم
از غار دوریم!
و به نام آزادی
تمام طبیعت را
سیم خاردار کشیده اند
انسان نخستین!
بغض های مان را
به حافظه گیج کامپیوتر سپرده ایم
و با اولین ویروس
فراموش خواهد شد

شعر (۳)

به تو لبخند می زنم
به در
به دیوار
و حتی به گلدان گوشه اتاق
دوربین بهانه خوبی است
تا مهربان شویم

شعر (۴)

در را به هم می کوبید
پرده را کنار می کشد
کتاب ها را ورق می زند
خانه را به هم می ریزد و
می گریزد
بـــــاد...
چقدر شبیه توست

از تمام سقف ها

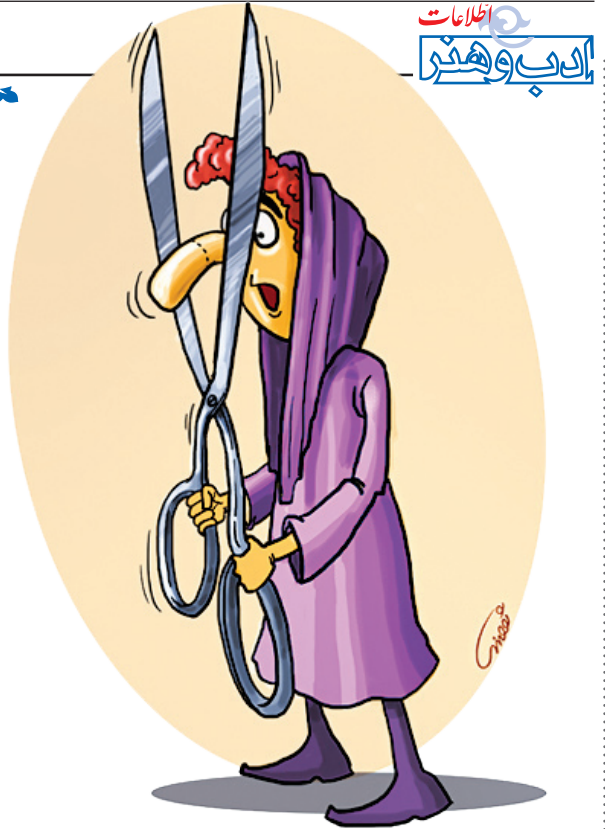
لیلا افشانی

به نام تو تمام شهر می شود برای من
پرنده پر نمی زند به جز تو در هوای من
فقط من و تو و بیم و سبب سرخ گونه ام، همین
بیا گناه کن! نوشته می شود به پای من
من از تمام سقف ها به سایه تو قانعم
پناه بی پناهی ام تویی پس از خدای من
قلمرو حکومت همین دو حرف ساده است
«دل» که بشنوی زبند بند آن صدای من
تومی روی و حبس می شود مرا تمام شهر
فقط بگو که بوده انتخاب تو به جای من

عمق

رنوف رضایی زاد

به عمق می روم
خیال برگشتن ندارم
زلزله ای شده ام زیر پوستم
شبیه سربازی که تفنگش را بغل می کند
پر از ترس شلیکم
عجیب است که نیستی
وقتی خیابان ها جمله هایی عاشقانه اند
که برای آمدنت نوشته ام
دوری ات چیزی را عوض نکرد
کوچه همان جای قبلی است
خانه همان خانه
فقط گلوله ای تصمیم گرفته
مرا به عمق بیشتری برود.



تازه از دانشگاه آمده بودم، خسته و گرسنه. بعد از سیخونک زدن به دستبخت داغ مامان روی گاز، بالش را انداختم و دراز کشیدم و به روی تلویزیون. کارتن موش و گربه داشت پخش می شد. موش با زیرکی تمام با کارد، تمامی پوست بدن گربه را قلفتی کند! زدم زیر خنده، و اقعاسازنده هاش محشر ند. داداش کوچیکم محو کارتن شده بود و مدام می خندید.

طبق روال مر سوم استراحت پای تلویزیون، شروع کردم به گشت زدن توی شبکه ها. شبکه مستند فیلمی راجع به باند مافیای ایتالیا پخش می کرد که بازیگر معروف پدر خوانده توش بازی کرده بود. شبکه و ورزش هم یک مسابقه سرگرمی جذاب را روی آنتن داشت و مجری شبکه فیلم نیز روده درازی را شروع کرده بود و حالا حالا قصد نداشت تماشاش کند. بعد از نیم ساعتی که پای جعبه جادویی مسخ شده بودم، صدای زنگ خانه به صدا در آمد. خاله و دختر خاله ام به سراغ ما آمده بودند. البته به همراه پسر خاله کوچکم که از دیوار راست، یک راست بالا می رفت. سرگنده، نتراشیده و نخراشیده ای داشت و چهار دست و پای کوتاه. مثل دیوانه ها می خندید و به سراغ هر چیزی که می رفت، دیگر اثری از آن باقی نمی گذاشت. اگر یکی از لذت های زندگی ام سیخونک زدن به غذای مادر بود و یکی دیگر هم تماشا ی فیلم سینمایی که البته اسمش یادم نیست؛ ولی فقط می دانم که یکی بااره به جون افرادی افتاد و دل و روده هاشان را یکی یکی در می آورد. سومین لذت ناب زندگی من زدن امید، پسر خاله ام، البته به دور از چشم مادرش بود! لذتی که سخت کفو رم می کرد و خستگی را از تنم می برد.

دختر خاله ام مهسا، دم بخت بود و همانجا نشست بود تا ببیند کی از در وارد می شود تا او را سوار بر اسب سفید آرزو ها کند و با خود ببرد، تا خاله بیچاره من هم نفسی تازه کند که البته همانطور که پول در این روزگار کمیاب شده، پسر خوب سوار بر اسب سفید رؤیاها نیز نایاب گشته، به همین خاطر هر بار که می دیدم ش دلم به حالش می سوخت و پیش خودم می گفتم که احتمالا ده سال بعد از اینکه اینجانب، شاخ شمشاد، از دواج کردم، شاید مهسا هم با آن دماغ استخوانی بزرگش که یک خال سیاه گوشتی رویش خود نمایی می کند، بتواند با این هیکل چاق، پسری را اجیر کرده، جیره و مواجب خود را بستاند. سخت مشغول تعریف کردن شده بودیم که برنامه ای شروع شد که در آن با یک بازیگر زن معروف سینما و به قولی ستاره یا سوپر استار، مصاحبه می کرد. مهسا با ولع هر چه تمام نگاه می کرد و من پیش خودم فکر می کردم که در این دنیا، چقدر تفاوت می تواند وجود داشته باشد و یکی را خدا آن همه نعمت دهد و دیگری را این همه ...

که در این لحظه خاله خانم سرش را باغز و رو تکبر زنانه بالا گرفت و بایی اعتنائی عجیبی گفت: این کجاش زیباست؟! بعد از اینکه مهمان های عزیز رفتند، مادرم به وجود من افتخار کرد و گفت: خدا رو شکر که تو هر چقدر خل و چل و دیوانه هستی، ولی به نچسبی مهسان نیستی! روزها یکی پس از دیگری می گذشت و هر روز خبر تازه ای می رسید که مهسا در استانی نظریه "تکامل" دست به تغییر مثبتی زده است. یک روز می گفتند که دماغش را عمل کرده، یک روز دیگر هم خبر از تزریق در

مرد واقعی

۱ | سعید ثقه ای

گونه و لب هایش می دادند و یکبار نیز از طب سوزنی نام می بردند که مهسا کل هیکل خود را به سوزن های چینی سپرده است.

خلاصه اینکه هر بار که از خانه خاله خانم زنگ زده می شد، خبری از نبرد زیبایی مهسا داده می شد و مانیز کارمان شده بود که به تظاهر تبریک بگوییم و بعد از قطع کردن تلفن و گذاشتن گوشی از معایب این روش های نامعقول و نامر سوم قصه ها گفته و در آخر خدا را بابت قیافه و ظاهر طبیعی خودمان شکر بگوییم. تا اینکه یک روز که من طبق روال معمول پای تلویزیون دراز کشیده بودم و مشغول تماشای برنامه طنز محبوبم همان سریالی که در آن، زنان، مردان را از خانه باخفت و خواری تمام به بیرون پر تاپ می کردند، بودم، خاله خانم به همراه مهسا و امید به خانه ما آمدند.

وقتی برای عرض سلام و ادب به هال آمدم، با دیدن یک دختر خانم «شایسته» در کنار خاله ام از حال رفتم؛ به گونه ای که تا به خودم آمدم، چند دقیقه ای به طول انجامید. بعد تمام حواسم را جمع کردم تا مؤدبانه و بدون لهجه سخن بگویم، سپس گفتم: ببخشید خاله جون، ایشون رو معرفی نکردید؟

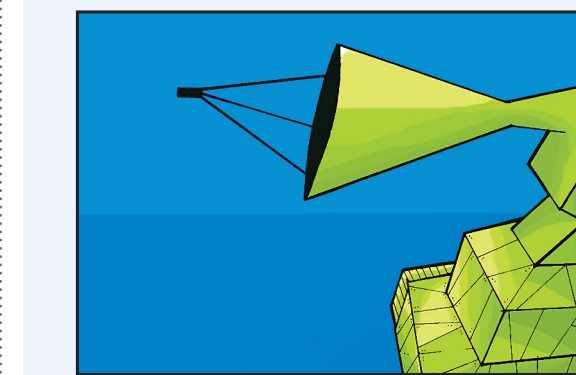
نمی دانم چی گفتم که همه زدن زیر خنده. انگار که لطیفه های قومی گفته باشم، کلی خندیدند. پیش دختر جوان غریبه خیلی خجالت کشیدم و از آن بدتر. نمی دانستم کجای حرف من خنده دار بود که مادرم به کمکم آمد و گفت: دیکه دختر خاله انت رو نمی شناسی؟ و سپس خاله ام گفت: یعنی آنقدر مهسا تغییر کرده؟ و مهسا نیز ابرویی بالا انداخت و گفت: لطف داری پسر خاله!

باورم نمی شد، مهسا... دختر خاله نیچسب خودم؟! باور کنید رد شدن دیوید کاپرفیلد از دیوار چین، پیداشدن اسلحه کشتار جمعی در عراق و ارزان شدن قیمت خانه را باور می کردم، ولی این چهره جدید مهسا رانمی توانستم قبول کنم! این قدر تغییر...؟ مثل این بود که بیابانی خشک و بی آب و علف را بعد از چند هفته تبدیل به جنگلی کرده باشند که در خناش قدمت سالیان دراز دارند. در همین ناباوری ها بودم که امید باسبر به کمکم زد و قاب عکسم را از بالای آن انداخت و خرد کرد. در اتاق بی اختیار سیلی محکمی به گوشش زدم و خودم را از این همه فشار روحی، روانی خالی کردم. با این وجود آنقدر در شوک معجزه عمل دماغ و زیبایی، به همراه طب سوزنی مهسا بودم که رفتن خاله ام را متوجه نشدم. در آینه نگاه کردم، صورتم از همیشه زشت تر شده بود و شانه در دستم از موهای کنده شده سیاه.

چند روز بعد خبر رسید که سوار اسب سوار از راه رسیده و مهسا نیز تا چند روز دیگر به خانه بخت خواهد رفت. مادرم در هیجان عروسی خواهر زاده اش بود و من در گرداب امتحانات درسی. روزها بر اینم به سختی سال ها می گذشت و امتحاناتم

یکی پس از دیگری خراب می شد تا یک روز عصر که مثل همیشه خاله به همراه دو موجود عجیبش به خانه ما آمدند. مهسا از بدو ورود یک دم گریه می کرد و برای اینکه به دماغ عملی اش فشار وارد نشود، هر دو ثانیه یکبار بادستمال آن را تمیز می کرد. ماجرا از آن قرار بود که مهسا و مرد رؤیاهاش در حالی که مشغول تماشای البوم عکس بودند، به عکسی برمی خورند که در زیر عکس های قبلی پنهان شده و متعلق به عصر مهسا قبل از زیبایی بوده که البته بعداً متوجه می شوند این کار از امید آب می خورده. پسر جوان با دیدن چهره طبیعی واقعی مهسا شوکه شده و از آنجایی که از ژنتیک نیز سر در می آورده و می دانسته ژن ها تغییر ناپذیرند و چهره کودکش نیز در آینده تحت تأثیر قرار خواهد گرفت، از اسب سفید پیاده شده و به دلیل عدم صداقت مهسا و خانواده اش، اعلام انصراف می کند. حال مهسا و خاله، نطق مفصلی به کمک مادرم به راه انداخته بودند پیرامون اینکه در این دور و زمانه مرد ها دیگر مرد نیستند و مرد واقعی اصلا پیدا نمی شود. دلم می خواست پاشوم و داد بزنم که: مگه قیافه و هیکل دختر شما واقعیه که شما دنبال مرد واقعی می گردید؟... که امید با توب به پروژه ای زد که یک ترم تمام برای ساختنش زحمت کشیده و خون دل خورده بودم و قرار بود که به خاطر آن، درس سه واحدی را نیفتم و در نهایت مشروط بشوم و از آن هزار تکه ساخت.

نمی دانم چقدر عصبانی شدم ولی می دانم که خون به مغزم نمی رسید و بعد از اینکه دستم به امید رسید، معنی یک مرد واقعی را حداقل به او فهماندم تا در آینده مانند نامزد مهسا تو زرد از آب در نیاید.



سهیل ستایش

* متولد ۱۳۵۷، کرج

* دارای مدرک کاردانی در رشته شهرسازی

* ۱۶ سال فعالیت آماتوری در زمینه کاریکاتور



۱ | محمدعلی علوی

طنز در گلستان سعدی

بخش سی و چهارم

حکایت

اعرابی^۱ را دیدم در حلقه جوهریان^۲ بصره که حکایت همی کرد که وقتی در بیابانی راه گم کرده بودم و از زاد معنی چیزی با من نمانده بود، و دل بر هلاک نهاده، که همی ناگاه کیسه ای یافتم پر مروارید. هر گر آن ذوق و شادی فراموش نکنم که پنداشتم گندم بریان است، باز آن تلخی و نومیدی که معلوم کردم که مرواریدست.

در بیان خشک و ریگ روان

تشنه را در دهان چه در، چه صدف

شرح طنز

این حکایت، نظیر داستان های جدید و مشهور به «مینی مال»، از میان عوامل متعدد داستانی، متکی بر یک عامل اصلی است؛ فضا سازی که البته در دل آن فضا سازی مهیب، تعلیق نیز وجود دارد.

ما به عنوان مخاطبان حکایت با بیابانی مهیب مواجه می شویم، بیابانی چندان خشک که اعرابی - شخص اصلی این حکایت - گم گشته در آن، «دل بر هلاک نهاده» که ناگهان کیسه ای می بیند. در اینجا و در میان فضا سازی، تعلیق ایجاد می شود. داخل آن کیسه چیست؟ غذا؟...

ای کاش که چنین باشد، اما در طنزی پنهان که طنز موقعیت نیز هست، عرب گرسنه و تشنه و گم شده در بیابان (بیابان به معنی سرزمین بی آب)، به جای غذا، کیسه ای پر از مروارید می باید: «هرگز آن ذوق و شادی فراموش نکنم که پنداشتم گندم بریان است، باز آن تلخی و نومیدی که معلوم کردم که مروارید است.»

حکایت

گدایی هول را حکایت کنند که نعمتی وافر اندوخته بود. یکی از پادشاهان گفتش: همی نمایند که مال بیکران داری؛ و ما را مهمی هست، اگر به برخی از آن دستگیری کنی، چون ارتفاع رسد، وفا کرده شود و شکر گفته. گفت: ای خداوند روی زمین لایق قدر بزرگوار پادشاه نباشد؛ دست همت به مال چون من گدایی آلوده کردن که جو جو به گدایی فراهم آورده ام. گفت: غم نیست که به کافر می دهم.

الخبیثات للخبیثین

گر آب چاه نصرانی نه پاک است

جهود مرده می شویی چه باک است

*

قالوا عجین الکلس لیس بظاهر

قلنا نسد به شقوق المبرز

شنیدم که سر از فرمان ملک باز زد، و حجت آوردن گرفت، و شوخ چشمی کردند. بفرمود تا مضمون خطاب ازو به زجر و توبیخ مخلص کردند.

به لطافت چو بر نیاید کار

سر به بی حرمتی کشد ناچار

هر که بر خویشتن نبخشاید

گر نبخشد کسی برو شاید

شرح طنز

ماجرای گدایی حریص است که آن قدر پول جمع کرده که حتی از سلطان شهر هم پولدار تر شده است. همین جالازم است به خصوص برای مخاطبان جوان و هنرجویان طنز، این نکته مهم در طنز پردازی گفته شود که طنز، خیلی وقت ها و خیلی جاها، عمداً غلو و مبالغه هم می کند؛ مانند طنز تصویری یا کاریکاتور؛ یعنی طنز پرداز، یک - بسته به داستان - یا چند خصوصیت اشخاص داستان خود را به طرزی مبالغه آمیز بسیار برجسته و مضحک می سازد.

ادامه دارد

پی نویس:

۱- بادیه نشین، دهاتی

۲- گوهر فروشان

